مدرسة الامام امیر المؤمنین علیه السلام
WWW.MAKAREM.IR | ماهنامه بلیغ | سال دوم | شماره هفتم | مرداد ماه ۱۳۹۵
بلیغ ۷

- توضیحاتی درباره فتوای آیت الله العظمی مکارم شیرازی پیرامون حجاب
- انتقاد شدید معظم له نسبت به حقوق های نجومی
- تبیین گفتمان عدالت طلبی در سیرهٔ علوی
- رونمایی از نرم افزار کاربردی «پژوهش یار»
- آشنایی با مرکز آموزش تخصصی شیعه شناسی

پرونده ویژه: تحلیلی بر فرجام ننگین رژیم آل خلیفه

پرونده ویژه: ریشه ها و پیام های راهپیمایی روز جهانی قدس

شرط تقسیم عادلانه روزی‌ها وجود عدالت اجتماعی است

اخلاق اسلامی در نهج البلاغه (خطبه متقین) ؛ ج ۱؛ ص ۷۲

بسم الله الرحمن الرحیم

۷

بلیغ

ماهنامه الکترونیکی خبری-تحلیلی بلیغ
سال دوم|شماره هفتم|مرداد ماه ۱۳۹۵

۲ فهرست

۳ طلیعه‌سخن

۴ پیام ها و بیانات

۶ سخنرانی شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان

۸ دروس اخلاق ماه مبارک رمضان

۱۴ فن آوری اطلاعات

۱۶ یادداشت

۲۲ پرونده ویژه

۳۰ مقله

۳۲ معرفی کتاب

۳۴ موسسات وابسته

۳۶ معارف اسلامی

۳۸ سؤالات شرعی

۴۰ فرازی از سخنرانی معظّم له در شب های قدر

MAKAREM.IR

صاحب امتیاز: بایگانی اطلاع رسانی دفتر حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی (مدظله العالی)
نشانی: قم، خیابان شهداء، کوی ممتاز، کوچه شماره ۷، پلاک ۳۶
وبگاه: makarem.ir
پست الکترونیک: info@makarem.ir
تلفن: ۰۲۵۳۷۷۴۳۳۳۱-۳۷۷۴۲۸۱۹
نمابر: ۰۲۵۳۷۸۳۹۹۳۴

طلیعه‌سخن

انقلاب اسلامی ایران به عنوان نظام سیاسی منبعث از آموزههای ناب شیعی مورد توجه است ، لذا شکل گیری انقلاب شکوهمند اسلامی به رهبری امام خمینی(رحمت الله علیه) با هدف تحقق آرمانها و ارزش-های غنی اهل بیت(علیهم السلام) به منصهٔ ظهور رسیده است که این امر نظام اسلامی را سرآمد همهٔ مکاتب سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی قرار داده است.

در تبیین این مسأله باید به یکی از آرمانهای مهم و بی بدیل در حکومت اسلامی یعنی مبارزه اسلام با «مال‌اندوزی» و مواجهه قاطع با اختلاف طبقاتی در جامعه اشاره نمود[۱].

لیکن منظور از اختلاف طبقاتی، اختلافات نامعقول است، [۲] به طوری که بعضی صاحب همه چیز و بعضی فاقد همه چیز باشند که این معنا مردود است،[۳]و إلا بین طبیب و پیش خدمت آن، فرق است و یا بین سرباز و فرمانده آن، فرق است،[۴] زیرا وجود اختلاف طبقاتی در جامعه که به تعبیر دیگر باید با عنوان استثمار کننده و استثمار شونده مورد نظر قرار گیرد هرگز موافق نظام آفرینش نیست، بلکه تفاوت استعدادها و تلاشها و کوششها است که موافق و هماهنگ نظام آفرینش است، و میان این دو از زمین تا آسمان فرق است.[۵]

حال آنکه تفاوت استعدادها و درآمدها نباید باعث سوء استفاده در راه ایجاد جامعه طبقاتی گردد[۶] زیرا توزیع ناعادلانهٔ ثروت میان مردم سرچشمه هر گونه شکاف و جدائی خواهد شد.[۷]

متأسفانه به عینه می توان مشاهده نمود که فساد مالی و زیاده خواهی های اقتصادی در میان برخی مدیران و مسئولان با سوء استفاده از برخی ساختارهای معیوب اقتصادی به اوج خود رسیده است؛ افزون طلبی و زیاده خواهی دنیا پرستانی که به نوبهٔ خود تعادل بهره گیری از منابع ثروت میان مردم را به شدت برهم زده است در حالی که تداوم و استمرار این پدیدهٔ شوم زمینه را برای تعدی و تجاوز به حریم دیگران فراهم ساخته است به نحوی که حقوق مسلم انسان‌های ضعیف پایمال شده است.[۸]

از این رو در ماه های اخیر افشای حقوق نامشروع برخی صاحبان حقوق های نامتعارف به ویژه در بانک ها و بیمه ها.. در رأس خبرهای رسانه های دیداری و نوشتاری قرار گرفته است.

گفتنی است روشنگری ارزشمند برخی رسانه های ارزشی از عمق زیاده خواهی ها و منفعت طلبی های برخی مدیران طماع حکایت دارد که افشای این مسأله افکار عمومی کشور را به شدت جریحه دار نموده است، لیکن باید گفت کماکان دست اندازی به بیت المال در برخی لایه های مدیریتی کشوربه آسانی صورت میگیرد و حتی پس از افشای این دزدی آشکار ، برخی مدیران و حتی فرزندان آنها از نظام طلبکار هستند ودریافت حقوق نامشروع را در یافت حق مطلق خود از نظام اسلامی بر می شمرند؟!.

از سوی دیگر برخی مدیران غافل نیز در نظام اسلامی ،اقدام ارزشمند افشاگران فیش-های نجومی را هجوم به مبانی ارزشی و ورود به حریم خصوصی افراد عنوان نمودند! حال آنکه امیرمؤمنان علی علیه السلام حتی درباره وضع خانه‌های مختلف مدیران حکومت خود سخن گفته و انگشت روی جزئیات گذاشته است.[۹]

از این رو جای بسی تأسف و شرم ساری است که در جامعه اسلامی اختلاس‌ها و دزدی‌هایی صورت می‌گیرد که برمبنای آمار شگفت‌انگیز جراید و رسانه ها، اگر فرد مفسد و فرزندان و نوه و نتیجه‌هایش هم از آن استفاده کنند تمام نمی‌شود،[۱۰]این دزدی آشکار به منافع ملت در حالی است که علی علیه السلام در پاسخ به درخواست برادرش عقیل مبنی بر پرداخت بیشتر از سهم بیت المال فرمود:«پرداخت سهم بیشتر از بیت المال نوعی دزدی و سرقت است، چرا مرا به آن می‌خوانی؟!»[۱۱]،[۱۲]

لذا شیعیان امیرالمؤمنین(علیه السلام) باید از ایشان یاد بگیرند، بدون شک اگر تقوای الهی وجود داشت، این اوضاع به وجود نمی‌آمد و ما اکنون شاهد حقوق‌های سرسام آور در جامعه نبودیم. امروزه برخی مستاجران را به خاطر نداشتن پول اجازه ناچیز از خانه بیرون میکنند و آنها در کنار اسباب خود در خیابان مینشینند، ولی برخی مدیران حقوقهای دهها میلیونی و چند صد میلیونی دریافت می کنند؛ به راستی چگونه میتوانند خود را شیعیان امام علی(ع) بدانند؟ شیعیان امام علی(ع) کسانی هستند که برای حفظ حرم اهل بیت(ع) می جنگند و شهید میدهند.[۱۳]

لذا با تأمل در سیرهٔ نورانی امام علی (ع) بهتر میتوان به عمق ظلم و ستم صاحبان حقوق های نامتعارف در کشور به مردم پی برد، زیرا مگر نه این است که در کلام نورانی امام صادق(علیه السلام) پیروی از ائمهٔ اطهار(علیهم السلام) یکی از نشانه ها و ویژگی های بارز شیعه واقعی مورد توجه قرار گرفته است؟ حال جای بسی شگفتی است که برخی افراد با بهره گیری از رانت و ویژه خواری و دریافت حقوق های نامتعارف بر خلاف سیرهٔ عملی و سبک زندگی ائمهٔ معصومین(علیهم السلام) حرکت میکنند؛با این تفاسیر چگونه میتوان به مدیران ناصالح و مفسد، عنوان شیعه اهل بیت (علیهم السلام) اطلاق نمود؟

بلکه حقیقت همان تعبیر رهبر معظم انقلاب است که به صراحت فرمودند؛ اینها خائنان به آرمانها و ارزشهای انقلاب اسلامی هستند که باید سریعاً عزل شوند و همهٔ وجوه نامشروع را تا ریال آخر به بیت المال بازگردانند ، هم چنین باید این زیاده خواهان طماع در دادگاه عدالت دستگاه قضا محاکمه و مجازات شوند.

بنابراین علما و دانشمندان،نخبگان و اندیشمندان جامعه وظیفه دارند با امر به معروف و نهی از منکر مانع تجمیع اموال در دست گروه خاصی شوند[۱۴] و از ایجاد اختلاف طبقاتی و انباشتگی اموال در دست طبقه‌ای خاص پیش‌گیری کنند.[۱۵]

امید است دستگاه قضا با همکاری موثر دولت و مجلس با برخورد فوری و قاطع به اینگونه ویژه خواریها پایان داده و دامان مقدس نظام اسلامی را از لوث وجود ننگین صاحبان حقوقهای نامشروع پاک نماید.

[۱] دائرة المعارف فقه مقارن ؛ ج۲ ؛ ص۴۵۱.
[۲] کتاب النکاح ؛ ج۷ ؛ ص۴۸
[۳] همان.
[۴] همان.
[۵] تفسیر نمونه ؛ ج۱۱ ؛ ص۳۱۴.
[۶] ر.ک: تفسیر نمونه؛ ج۳؛ص۳۶۵.
[۷] خطوط اقتصاد اسلامی ؛ ص۶.
[۸] مثالهای زیبای قرآن ؛ ج۲ ؛ ص۶۹.
[۹] پیام امام امیر المومنین علیه السلام ؛ ج۱۴ ؛ ص۸۳۱.
[۱۰] انوار هدایت، مجموعه مباحث اخلاقی ؛ ص۲۸۲.
[۱۱] بحار الانوار، جلد ۹(چاپ تبریز)، صفحه ۶۱۳،(به نقل از داستان راستان، جلد ۱، داستان ۳۸).
[۱۲] آیات ولایت در قرآن ؛ ص۱۹۶.
[۱۳] بیانات حضرت آیت‌الله العظمی مکارم‌شیرازی ؛ مدرسه علمیه امام کاظم(ع)؛۱۳۹۵/۴/۷.
[۱۴] دائرة المعارف فقه مقارن ؛ ج۲ ؛ ص۴۵۱.
[۱۵] همان.

بیانیه حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی دامت برکاته در مورد اوضاع بحرانی بحرین

حـــکام بحرین که از عقـــل و درایت کافی برخـــوردار نیســـتند خـــود را در گردآب خطرناکـــی افکنـــده اند که روز بـــه روز بر گرفتاری آنها افزوده می شود

۱۳۹۵/۰۴/۰۲

در شـــب بیســـت و یکم ماه مبارک رمضان: انتقاد شدید معظم له نسبت به حقوق های نجومی

در مملکتـــی که افـــرادی توانایی پرداخت اجاره ندارند و آواره می شـــوند، برخی دیگر حقوق های بالای صـــد میلیون می گیرند و موضـــوع حقوق های سرســـام آور مطرح است آیا شیعیان علی علیه السلام هستیم/ شیعیان کسانی هستند که برای حفظ حرم، حفظ عراق و شیعیان بحرین ایستاده اند و می جنگند

۱۳۹۵/۰۴/۰۸

معظم له در شب بیســـت و سوم ماه مبارک رمضان: انتقاد از بی نظمی های جامعه/دعوت برای حضور گســـترده مردم در راهپیمایی روز قدس

مســـأله حقوق های نجومـــی و کلان فقط نشانه اختلاف طبقاتی نیست بلکه ناهمگونی های بسیاری وجود دارد؛ در جامعه اسلامی نباید یک فقیر و بیکار وجود داشته باشد آیا اکنون بیکار و فقر نداریم؟ / جوانان تحصیل کرده ای هســـتند که کاری ندارند و مسافر کشی یا کارهای دیگر می کنند اما عده ای حقوق های چند صد میلیونی می گیرند تا خوش باشـــند و حتی با آن پول ها نیز وام مـــی گیرند و احتمالا یارانه نیز دریافت می کنند

۱۳۹۵/۰۴/۰۹

معظم له در راهپیمایـــی روز جهانی قدس: این راهپیمایی باید تا روزی که پایان سلطه اسرائیل غاصب است ادامه داشته باشد

حضرت آیت الله العظمی مکارم شـــیرازی بـــا قدردانـــی از حضور گســـترده مردم در راهپیمایی روز جهانی قدس، تاکید کردند که مردم ما نشان داده اند به انقلاب و ارزش ها وفادار هستند.

۱۳۹۵/۰۴/۱۱

پیام تسلیت معظم له به مناسبت فقدان اسفناک بانوی فاضله خانم همایونی

این بانوی محترمه که از شاگردان برجسته بانـــو مجتهده اصفهانی بود، عمری را در راه تربیت شاگردان و هدایت نسل جوان گذراند

۱۳۹۵/۰۴/۱۲

پاسخ به اســـتفتایی در مورد یک اثر سینمایی

یکی از شبکه های تلویزیونی عربی که مقر آن در انگلستان است، از چند ماه قبل اقدام به جمـــع آوری میلیونها پوند از شـــیعیان جهان برای ساخت یک فیلم بلند سینمایی به نام یوم العذاب یا روز آزار و شکنجه نموده است

۱۳۹۵/۰۴/۱۴

معظم له در جمع زائـــران و مجاوران حرم رضوی

افرادی که خیالاتی نسبت به حجاب در سر دارند، از خیالات شان پشیمان می شوند / اگر حجاب و ازدواج اسلامی باشد، نوامیس مردم سالم می مانند و در صورتی که یکی از این دو نباشد به نوامیس جامعه اسلامی ضربه می خورد/ان شـــاءالله روزی می رسد آن قبور هر چه با عظمت تر در بقیع ساخته می شود، شـــیعیان و مســـلمانان دیگر به زیارت آن ها می روند

۱۳۹۵/۰۴/۲۵

از ســـوی دفتر معظم له منتشر شد: توضیحـــی در مورد فتـــوای حجاب دختران در خارج برای تحصیل

امیدواریـــم همه عزیزان به وظیفه شـــرعی خـــود در این امر عمل کنند و ان شـــاء الله سوء استفاده ای از فتوای مذکور نشود

۱۳۹۵/۰۴/۱۶

پاسخ یک نامه در مورد فتوای حجاب دختران در خارج برای تحصیل

امیدواریم در قضاوت ها عجله نفرمایید آن هم قضاوتی توأم با توهین نسبت به فقهای بزرگ عصر ما که ممکن اســـت مسئولیت الهی در روز قیامت داشـــته باشـــد و یقین داشـــته باشـــید در دنیا هم آثار آن خدای ناکرده دامن انسان را خواهد گرفت

۱۳۹۵/۰۴/۲۰

توضیحاتـــی درباره فتـــوای آیت الله العظمی مکارم شیرازی پیرامون حجاب

این اجازه برای بانوان همان کشـــورها و در صورتی است که امکان هجرت برای تحصیل در کشوری که این شرط خلاف شرع در آن جا وجود ندارد، ممکن نباشـــد و همچنین امـــکان تحصیل از راه دور و با اســـتفاده از آموزش های غیر حضوری و فضای مجازی هم ممکن نبوده باشد. در واقع برای تحقق شرایط ضرورت، باید همه فرایندها طی شود

۱۳۹۵/۰۴/۲۲

معظم له در شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان:

انتقاد از بی نظمـــی های جامعه / دعوت برای حضور گسترده مردم در راهپیمایی روز قدس

مسأله حقوق های نجومی و کلان فقط نشانه اختلاف طبقاتی نیست بلکه ناهمگونی های بسیاری وجود دارد؛ در جامعه اسلامی نباید یک فقیر و بیکار وجود داشته باشد آیا اکنون بیـکار و فقر نداریم؟ / جوانان تحصیل کرده ای هســتند که کاری ندارند و مسافر کشی یا کارهای دیگر می کنند اما عده ای حقوق های چند صد میلیونی می گیرند تا خوش باشند و حتی با آن پول ها نیز وام می گیرند و احتمالا یارانه نیز دریافت می کنند

حضـرت آیت الله العظمی مکارم شـیرازی سحرگاه امروز در مراسم احیای شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان که در مدرسه علمیه امام کاظم علیه السلام برگزار شد، فرمودند: مطابق بسـیاری از روایات احتمال شب قدر بودن شـب ۲۳ ماه مبارک رمضان بیشتر از شب های دیگر است.

ایشان افزودند: البته به یک معنا هر سه شب را می توان شـب قدر دانسـت، می توان با توبه به درگاه خداوند متعال، تصمیمی برای آینده ای خوب و شـفاعت طلبیدن از اولیاء الله مقدرات را به سـوی بهتری هدایت کرد؛ مقدرات بر اساس قابلیت های انسان است.

معظم له با اشاره به وصیت نامه مولای متقیان امام علی علیه السلام اظهار داشتند: دومین سفارش حضرت در این وصیت نامه نظم در کارها بوده است، وقتی به قرآن مراجعه می کنیم می بینیم که سخن از نظم عمومی عالم می گوید، یکی از دلایل مهم برای مسـأله توحید و خداشناسی نظم حاکم بر دنیا است.

ایشان با اشـاره به آیه ۵ سوره یونس ادامه دادند: این آیه می فرماید خداوند کسی است که خورشید را نورافشان و ماه را نورانی قرار دارد، آن زمان نمی دانسـتند که نور ماه از تابش خورشید است که قرآن به این حقیقت علمی اشاره کرده است.

حضرت آیت الله العظمی مکارم شـیرازی با بیان این که یکی از مأموریت های خورشید و ماه منظم کردن زمان است، ابراز داشتند: این دو ماه و سال را تنظیم می کنند تا انسان به واسطه این نظم بتواند زندگی کند، قرآن در سوره یاسین می فرماید خورشید و ماه و شب و روز از یکدیگر پیشی نمی گیرند.

ایشـان عنوان کردند: آن زمـان معتقد به حرکت خورشید نبودند اما قرآن می فرماید که خورشـید شناور است و امروز ثابت شده که خورشید در حال حرکت است، از این آیه حرکت زمین نیز استفاده می شود؛ اگر نظم در این عالم بزرگ نباشـد نمی توان زندگی کرد.

معظم له خاطرنشان کردند: حرکت دورانی خورشید دور زمین سبب گریز از مرکز می شـود که اگر تنها فرار بود کره زمین یخ می زد و زندگـی ممکن نبـود، خداوند متعال چنان جاذبه و دافعه و تعادلی ایجاد کرده که میلیون ها سال این تعادل بدون کوچکترین تغییری وجود دارد و همین سـبب شده که انسان زندگی داشته باشد.

ایشان اضافه کردند: کارکردن دستگاه های بدن انسان نیز با حساب و کتاب است که اگر کم و زیاد شـود مشکلاتی به وجود می آید، وقتی در عالمی زندگی می کنیم که منظم اسـت چگونه می توانیم زندگی بی نظمی داشته باشیم؛ باید هماهنگ بت عالم به سوی نظم برویم و جامعه باید منظم باشد.

معظم له با اشـاره به روایاتی در زمینه لزوم برنامه ریـزی در زندگی فرمودنـد: روایات می فرماید شـبانه روز مؤمن باید ۳ بخش باشد، بخشی متعلق به فعالیت و تلاش برای زندگی آبرومند، بخش دیگر متعلق به عبادت و مناجات با خداوند و بخش سـوم نیز باید متعلق به سرگرمی سالم، استراحت و ورزش باشد.

ایشان افزودند: زندگی اسلامی به انسان می گوید که باید به خانواده خود رسیدگی کند از این رو فقط سـرمایه جمع کردن زندگی اسلامی نیست، عده ای نیز هستند که بخش مهمی از ساعات شبانه روز را در ارتباطات و فضای مجازی و شبکه های اجتماعی که به لجنزار تبدیل شده است می گذرانند.

حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی یکی از بی نظمی های جامعه را اختلاف طبقاتی دانسـت و اظهار داشتند: مسأله حقوق های نجومی و کلان فقط نشانه اختلاف طبقاتی نیسـت بلکه ناهمگونی های بسیاری وجود دارد؛ در جامعـه اسـلامی نباید یک فقیر و بیکار وجود داشته باشد آیا اکنون بیکار و فقر نداریم؟

ایشان ادامه دادند: جوانان تحصیل کرده ای هسـتند که کاری ندارند و مسافر کشی یا کارهای دیگر می کننـد اما عده ای حقوق های چند صد میلیونی می گیرند تا خوش باشند و حتی با آن پول ها نیز وام می گیرند و احتمالا یارانه نیز دریافت می کنند.

معظم له با اشاره به نامه ۴۵ نهج البلاغه ابراز داشتند: به مولا خبر دادند که فرماندار بصره در یک مهمانی مجلل شرکت کرده است که حضرت در نامه خطاب به او فرمودند در سر سفره رنگین و پرغذایی نشستی که حتی یک فقیر حضور نداشته است؛ اکنون چقدر سفره داریـم که اغنیا حضور دارند و خبری از فقرا نیست

ایشان عنوان کردند: حضرت به فرماندار فرمود از شما نمی خواهیم همانند ما باشی اما باید حـلال و حرام را رعایت کنی حال امروز چه اندازه بانک رباخوار و افراد رشوه خوار هستند، کجای دنیا رییس یک کشور به دلیل حضور فرماندار خود در یک مهمانی نامه می نویسد، اکنون مسائل بزرگ نیز تذکر داده نمی شود و بعد مدت ها صدایش در می آید.

معظم له خاطرنشان کردند: از دیگر بی نظمی های جامعه چشم و هم چشمی ها است که سبب نابسامانی می شود، امروز مسأله ازدواج نیز به بی نظمی تبدیل شده است، هرکس برای ازدواج کردن باید از چند گردنه صعب العبور گذر کند.

ایشـان اضافه کردند: یکـی از این مراحل خواستگاری اسـت که امروزه بسیاری بالا و پایین می کنند، کدام انسان است که عیب نداشـته باشد، اگر گذشـت نباشد و معدل انسان ها حساب نشـود کسی فرد دیگری را نمی پذیرد، مرحله دوم مهریه اسـت که متأسـفانه بر ارقام تجومی و بی مفهوم قرار داده می شود.

حضـرت آیت الله العظمی مکارم شـیرازی با اشـاره به فتوای خـود درباره مهریه های نجومی فرمودند: درباره اینگونه مهریه ها فتوا دادیم که باطل است و مهرالمثل باید حساب شود، متأسفانه عندالمطالبه بودن نیز برخی دختران را تشویق می کند که عقد را به هم بزنند و صاحب ثروت شوند.

ایشـان افزودند: مرحله دیگر جهیزیه است، بسـیاری از دختران عقد کرده هستند که چون جهیزیه ندارند نمی توانند به خانه بخت بروند که باید ساده تر گرفته شود؛ رانندگی در کشور نیز نظم ندارد و تعداد کشته های حوادث رانندگی به اندازه کشته های جنگ اسـت؛ اگر می خواهیم مملکتی آباد داشته باشیم، فقر ریشه کن شده و بیکاری رفع شود باید نظم حاکم شود.

معظم له با بیان این که خوشبختانه در قانون اساسی آمده که مذهب رسمی کشور شیعه علی علیه السلام اسـت، اظهار داشتند: آیا عمل و برنامه ما نیز بر همین اسـاس است، باید فکری برای طلاق ها، قهرها و زندان ها به دلیل مهریه و بیکاری شود.

ایشـان در بخش دیگر سخنان خود با اشاره به روز جهانی قدس بر لزوم حضور پرشـور در این راهپیمایی تأکید کردند و ادامه دادند: روز قدس روزی است که مسلمانان به قدس شریف قبله نخست مسلمین اعلام وفاداری کـرده و از غاصبان و حامیـان آن ها اعلام بیزاری می کنند.

معظـم له بـا بیان ایـن که همـه باید در راهپیمایـی روز قدس شـرکت کنند، ابراز داشت: رژیم غاصب اسرائیل اعلام کرده تا به حال می خواستیم ابتدا با فلسطین و سپس با اعراب و مسـلمانان کنار بیاییم اما اکنون فهمیدیم کـه اول باید با اعراب کنار آمده و دم آن ها را ببینیم و سپس به سراغ فلسطین برویم.

ایشان عنوان کردند: در چنین شرایطی باید فریاد روز قدس در جهان طنین انداز شـود، نباید فراموش کرد که قبله نخست مسلمین غصب شـده و باید به زودی به جهان اسلام بازگردد.

ره یافت هایی از کلام مرجعیت در چشمهٔ معرفت:

مبانی تربیت اخلاقی در صحیفهٔ سجادیه از منظر معظم له

بی شک همه دعاها وارد شده از ائمهٔ معصومین علیهم السلام دارای پیام های مفید وسازنده اند؛ به راستی چه کسی است که دعای مکارم الاخلاق را می خواند ومحتوایش در او اثر نمی گذارد. باشد که ما انسان های گناهکار به خود آییم و هر چه بیشتر در مسیر تهذیب نفس و پاکی روح و جان بکوشیم و اگر به گناهی آلوده شده ایم، هر چه سریع تر توبه نموده و آن را جبران نماییم

علمای اخلاق اسلامی که فن آن‌ها بررسی فضایل و رذایل اخلاقی در کتاب و سنت است بی آن که روش معین ومراحل مختلفی را برای سیروسلوک تعیین کنند به بررسی فضایل اخلاقی وطرق تحصیل آن ورذایل وراه های مبارزه با آن پرداخته‌اند که اگر مجموعه آن در وجود انسانی حاصل شود انسان کاملی خواهد بود که عملاً مسیر سیر و سلوک الی الله را کامل کرده است .

لیکن سیره اصحاب ائمه وعلمای بزرگ شیعه در طی قرون واعصار بر این نبوده که افراد را به انتخاب استادی برای پیمودن مسیر سیروسلوک الی‌الله توصیه کنند بلکه همه را موظف می‌ساختند که از برنامه‌های قرآنی وکلمات ائمه و به ویژه مفاهیم اخلاقی و عرفانی صحیفه سجادیه بهره گیرند واین راه را با توکل بر خداوند متعال بپیمایند. به ویژه دعایی که فضایل اخلاقی و مکارم الاخلاق را به‌طور گسترده بیان می‌کند وبه زبان دعا وخطاب به خداوند همه آن‌ها را از درگاه او می‌طلبد مانند دعای بیستم.

به این ترتیب صحیفه سجادیه یک میراث فرهنگی الهی، یک منبع بزرگ مکتبی ویک مشعل هدایت ربانی ویک مدرسه اخلاق وتربیت اسلامی است که با گذشت روزگاران پایدار می‌ماند وانسانیت، پیوسته به این میراث محمدی وعلوی نیازمند است.

تهذیب نفس و راهکارهای تحقق آن

در آموزه های قرآنی روی این مساله تکیه شده است که فلاح و رستگاری در تزکیه نفس است، و محرومیت و شکست و بدبختی در ترک تزکیه است. «قد أفلح من زکاها» .

بی شک تهذیب نفوس نه فقط بهتر زیستن از نظر مادی را شامل می شود بلکه به عنوان سیرو سلوک اخلاقی مورد توجه است که هدف نهایی آن رسیدن به معرفةالله وقرب جوار اوست ، لذا دلیل نخستین شرط برای رهروان راه حق، تهذیب نفس و تقوا است، که بدون آن انسان در ظلمات وهم، گرفتار و در بیراهه ها سرگردان می‌شود.

کسانی که می خواهند به تهذیب نفس راه یابند باید از در عبودیت و پرستش خداوند وارد شوند؛ سالکان راه خدا، و پویندگان طریق خودسازی و تقوا، باید از نیایش و عبادت یاری طلبند و ناخالصی های وجود خود را در کوره داغ عشق به خدا بسوزانند و از بین ببرند، و مس وجود خود را با کیمیای عبادت زر کنند.

پس هر چه تهذیب نفس بیشتر شود، شناخت عظمت الهی و معرفت صفات جلا و جمالش بیشتر شود، شناخت عظمت الهی و معرفت صفات جلال و جمالش بیشتر.

اینگونه است که امام سجاد علیه السلام در بخش نوزدهم از دعای مکارم الاخلاق در موضوع تهذیب نفس و اخلاق عرضه می دارد « اللَّهُمَّ خُذْ لِنَفْسِکَ مِنْ نَفْسِی مَا یُخَلِّصُهَا ، وَ أَبْقِ لِنَفْسِی مِنْ نَفْسِی مَا یُصْلِحُهَا ، فَإِنَّ نَفْسِی هَالِکَةٌ أَوْ تَعْصِمَهَا؛خداوندا صفات ناپسند را از من بگیر و صفات نیکم را برای من بگذار و تقویت کن؛ چرا که اگر تو از من حمایت نکنی من راه به جایی نمی برم».

خودشناسی مهمترین ضرورت برای تهذیب نفس

گفتنی است یکی از راه های اصلاح و تهذیب نفس، خودشناسی است وقتی انسان خود را نشناسد و از کاستی ها و عیب های خود باخبر نشود، به دنبال اصلاح خود نخواهد رفت. لذا خودشناسی پایه مهم تهذیب نفس و تکامل در جنبه های اخلاقی و مسائل دیگر است، زیرا جاهل بودن به قدر خویش، سبب بیگانگی از همه چیز و دوری از خدا می گردد.

از این رو «شناخت خویشتن» مقدمه تهذیب نفس به شمار می آید لیکن انسان تا گردوغبار رذایل اخلاقی را فرو ننشاند وحجاب های هوی و هوس را از برابر چشم دل برنچیند، شناختن خویشتن به‌صورت وجود وابسته به ذات پاک پروردگار درحقیقت حاصل نمی‌شود.

بدین ترتیب خودشناسی بهترین راه برای خدا شناسی است، که تحقق این مهم و آگاهی از صفات جلال و جمال حق، قوی-ترین عامل برای پرورش ملکات اخلاقی و کمالات انسانی و نجات از پستی و حضیض رذائل و رسیدن به اوج قله فضائل است.

بی تردید وقتی انسان خود را شناخت و به کرامت و عظمت خود پی برد، هرگز خود را به بهای ناچیز نمی فروشد، وقتی انسان خود را شناخت به استعدادهای گوناگون که خداوند در او نهفته است پی می‌برد و آن را شکوفا می کند، و کسی که خود را شناخت هرگز خود را به رذایل اخلاقی آلوده نمی کند، چرا که رذایل اخلاقی زندگی انسان را تباه می کند و در جامعه زندگی را برای افراد تلخ می گرداند. اما بعد از شناخت صفات خوب و بد انسان، مسیرهای متعددی برای اصلاح وجود دارد.

تهذیب اخلاق در گرو تبعیت از سبک زندگی پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) وائمهٔ اطهار(علیهم السلام)

بدیهی است تهذیب نفس در سایه تعلیمات پیامبران و معصومان علیهم السلام حاصل می شود، حجاب ها کنار می‌رود و انسان اسرار پشت پرده غیب را می بیند و اطمینان و یقین و آرامش کامل حاصل می کند.

با تأمل در آموزه های روایی و قرآنی می توان گفت باید در طریق تهذیب نفس و سیر و سلوک الی الله، هر کس پیشوا و مقتدایی را برگزیند. لذا مومنان در مسیر تهذیب باید در هر قدم، نیکان و پاکان مخصوصا پیامبراکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام را اسوه و قدوه و سرمشق خود قرار دهند؛ و این از گام های مؤثر برای وصول به هدف آفرینش انسان یعنی تهذیب نفس و پرورش فضائل اخلاقی است.

بی شک بهره گیری از استاد خاص یعنی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و پیشوایان معصوم علیهم السلام در تمام مراحل لازم است. اینگونه است که صدها آیه قرآن، انسان را موجودی مختار و صاحب اراده، و مکلف به تکالیف و مسئول در برابر اعمال خویش، و قابل هدایت بوسیله پیامبران و تهذیب نفس و خودسازی، می‌داند.

قرآن کریم در آیه ۲۱ سوره احزاب بر لزوم الگوگیری از پیامبراکرم صلی الله علیه و آله، تأکید می کند و می گوید:«خداوند، پیغمبران را از جنس خود انسان قرار داد تا از آنها الگوگیری کنند؛ اگر پیامبران از جنس فرشته بودند، برای انسان قابل الگوگیری نبودند».

از سوی دیگر این حقیقت را نمی‌توان انکار کرد که پیامبران با روح بلند و تهذیب نفس کامل و پاکی قلب که دارند، حجاب‌ها از مقابل دیدگان دل آنها کنار رفته، و بسیاری از اسرار عالم غیب را می بینند.

بنابراین تمام زندگانی پیامبراکرم صلی الله علیه و آله دارای پیام و درس برای تهذیب اخلاق است، و مطالعات حالات انبیاء، اولیای الهی و بزرگان یکی از راه های اصلاح انسان است، بلکه سبک زندگی بزرگان دینی در رفتار با خانواده، دوستان، دشمنان و جامعه برای همه افراد الگو و زمینه ساز تهذیب نفس است که آن نیز بدون خودسازی وتهذیب باطن وپرهیز از هرگونه گناه وتخلق به اخلاق انبیا واولیا حاصل نمی‌گردد.

عفو و بخشش؛ تجلی بارز تهذیب نفس در سیره نبوی

لازم به ذکر است راهیان راه حق و سالکان الی الله و طالبان تهذیب نفس نباید به صورت انسانی عبوس و خشک و فاقد احساس و محبت در آیند، بلکه صبر، شکیبایی، محبت و عفواز جمله توصیه های دین در مسیر کسب این مهم به شمار می رود .

در تبیین این مسأله باید به محبت ورزیدن و عفو کردن رسول خدا صلی الله علیه و آله به عنوان یکی از برجستهٔ ترین سنت های اسلامی اشاره نمود . زیرا آن حضرت روحیه انتقام جویی عرب جاهلی راکه کینه های خود از قبایل را به نسل های بعدی نیز منتقل می کرد از بین برد..

هم چنین باید گفت بعد از هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله به مدینه نیز جنگ های متعددی آغاز شد و در جنگ احد حضرت حمزه علیه السلام که از محبوب ترین افراد نزد پیامبر صلی الله علیه و آله بود، به شکلی وحشیانه به شهادت رسید؛ بعد از فتح مکه، برخی از مسلمانان آماده انتقام گیری بودند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با این کار مخالفت کردند و گفتند امروز روز محبت و بخشش است تا افراد را به اسلام جذب کنیم.

از این رو بعضی از مفسران خلق عظیم پیامبر صلی الله علیه و آله را به صبر در راه حق، وسعت بذل و بخشش، تدبیر امور، و رفق و مدارا و تحمل سختی‌ها در راه دعوت به سوی خدا و عفو و گذشت و جهاد در راه پروردگار و ترک حرص و حسد تفسیر کرده اند. ،

دعا زمینه ساز تهذیب نفس

دعا و مناجات یکی از بهترین وسیله های ارتباط معنوی با خداوند و کسب صفای باطن و تهذیب نفس است. زیرا دعا انسان را به اصلاح خویشتن وتهذیب اخلاق دعوت می کند. وزمینه ساز تهذیب نفس است .

بدیهی است هنگامی که انسان خود را دربرابر خداوندی مشاهده می کند که از همه عیوب پاک ومنزه است، سعی می‌کند خود را هرچند به‌صورت ضعیف همانند او کند واز عیوب ورذایل اخلاقی پیراسته سازد. و از آنجا که طالب اجابت است سعی می‌کند شرایط اجابت دعا را که تمام آن‌ها جنبه تهذیب اخلاق دارد فراهم سازد واین فرصتی است برای او تا خود را اصلاح وتهذیب کند.

از این رو محتوای سازنده دعاها سبب تهذیب نفوس وتکامل ارواح وفاصله گرفتن دعا کننده از رذایل اخلاقی می‌گردد. لذا امام سجاد(علیه السلام) در فصل نوزدهم دعای مکارم الاخلاق صحیفهٔ سجادیه از خداوند درخواست می کند که «صفات بد اخلاقی را از من بگیر و اخلاق های خوب من را تقویت کن» .

باید دانست ائمه اطهار علیهم السلام با آن‌که پیراسته از هر گناهی بوده اند، ولی با توجه به عظمت پروردگار و نگاه به جلال و جبروت حق تعالی، خود را در پیشگاه ذات ربوبی، مقصر می‌دیدند و معتقد بودند، نمی‌توانند آن گونه که شایسته خداوندی است، اطاعت و بندگی او را بجا آورند، و لذا از درگاه خدای مهربان عذرخواهی می‌کردند و استغفار و توبه می‌نمودند.

علاوه بر آن‌که، این گونه دعاها و طلب توبه و استغفار از سوی آن بزرگواران برای مردم جنبه سرمشق و آموزشی دارد؛ و راه

بازگشت به خداوند و توبه و انابه به درگاه او را، بـه ما می آمـوزد، و عظمت گناه و سنگینی نافرمانی حق را به درستی برای ما مجسم می‌سازد.

دعا؛ درخواست کسب توفیق نه اجبار

حال ممکن است این سوال در ذهن برای برخی افراد شـکل بگیرد که اگر خداوند اخلاق های زشت را بگیرد و فضیلت های نیک را بدهد که افتخاری نیسـت و این مسئله جبر می باشد.

در پاسـخ باید گفت این دعاها به معنای درخواسـت توفیـق از خدا بـرای ترک معصیت و انجام کارهای نیک است.

زیرا تقاضـا از خداوند برای تقویت صفات خـوب و تـرک رذیلت هـای اخلاقی به معنی اجبار نیسـت، بلکـه منظور فراهم کردن توفیق است.

به تعبیر دیگر مسائل مربوط به تأثیردعا و توبه و مانند این ها همه به قضای مشروط (غیر حتمی)باز می گردد، که اگر نباشد، تمام درها به روی انسان ها بسته می شود و همگی در بن بست جبر قرار می گیرند.

به عبارت دیگر سـعادت و شـقاوت ما به اعمال ما و تصمیم و اراده ما بستگی دارد، و اراده و مشـیت الهی نیـز در این جا بر طبق کوشـش ما و بر طبق اعمالی است که انجام می دهیم.

چیستی مفهوم توفیق

«توفیق» در لغت به معنای موافق ساختن و هماهنگ نمودن اسـت کـه با معنای عرفی آن کاملا سـازگار اسـت. منظور از «توفیق» یعنی آماده بودن اسـباب برای انجام دادن کاری اسـت، مثلا اگر انسان حال خوبی بـرای دعا پیدا کند و مجلس مناسـبی تشکیل شود و خطیب دانشمند و باصفایـی آن مجلس را اداره کند، گفته می‌شـود توفیـق برای دعا حاصل شـد. همچنین فراهم شـدن اسباب مثلا برای زیارت بیت الله یا کمـک به محرومان یا فـرا گرفتن علم و دانش تمام اینها توفیق نامیده می‌شود .

حصول توفیق در گرو انجام عمل خیر

بایـد اذعان کرد انجام عمل خیر سـبب توفیـق الهـی می‌گردد، و انجـام اعمال شـر توفیق را از آدمی سلب می‌کند. لذا «توفیق» را به هرکسـی نمی دهند، بلکه گاهی انسـان باید یـک کار خوبی انجام دهد تا توفیق پیدا کند؛ در روایات اشـاره شده بعضی کارهای زشـت، توفیق اقامه نماز شب را از انسان می گیرد.

هم چنین گاهی انجـام یک کار کوچک توفیق بـزرگ مـی آورد، گاهی خدمت بـدون ریا به مردم، مایـه کارهای بزرگ برای انسـان می شـود و بر این اساس از انجام کارهـای کوچک بااخـلاص نباید غفلت کرد.

لـذا حضـرت موسـی بـا یـک عمل صالح کوچـک همچون سـیراب کردن گوسفندان حضرت شـعیب پیغمبر علیه السلام،صاحب زن و زندگی شد، و توفیق تلمـذ و شـاگردی در محضـر پیامبری بزرگ را یافت، و در حقیقت دوران پیش دانشـگاهی و پیش نبوت خود را در نزد حضرت شـعیب گذراند، تا آماده دریافت رسـالت و نبوت و مأموریتی عظیم گردد. آری! تمام این توفیقـات نتیجه آن عمل صالح کوچک بود.

بنابراین «توفیق» بـه معنای کمک های الهی اسـت، گاهی انسـان نمی تواند به تنهایی در یک مسـیر قـدم بگذارد؛ دعا سبب می شود که خداوند، ما را در مسیر ترک عادات و رفتارهای ناپسـند و انجام کار نیک کمک کند.

سخن آخر

در خاتمـه بایـد از اولیـای حق کمک گرفت وبه آن‌هـا اقتدا نمود، لذا سـعی کنیم متخلق به اخلاق آن‌ها شـویم واین بهترین سرمشق ماست وسرانجام در پرتو نور ولایت آن‌ها شـاهراه هدایت را ادامه می‌دهیم تا به سرمنزل مقصود برسیم.

هـم چنین از خدا مـی خواهیم ایمان ما را به حدی برسـاند که مـرگ را لحظه شکسـتن زنـدان بدانیـم و این میسـر نمی‌شـود مگر اینکه تهذیب نفس و عمل صالح داشته باشیم.

بی شـک همه دعاها وارد شـده از ائمهٔ معصومین علیهم السـلام دارای پیام‌های مفید وسـازنده‌اند؛ به راسـتی چه کسی است که دعای مکارم الاخلاق را می‌خواند ومحتوایش در او اثر نمی‌گذارد. باشد که ما انسـانهای گناهکار به خود آییم و هر چه بیشـتر در مسیر تهذیب نفس و پاکی روح و جان بکوشیم و اگر به گناهی آلوده شده‌ایم، هر چه سریع‌تر توبه نموده و آن را جبران نماییم.

سـزاوار اسـت همه مؤمنـان (مخصوصا جوانان پاکدل) از فضای آکنده از معنویت این ماه غافل نشـوند و در خودسـازی و تهذیب نفس بکوشند که به پیشرفت های مهمی نائل می‌شوند.

خدایا! مـا را برای کارهـای خیر توفیق عنایت کـن؛ یعنی وسـایل آن را اعم از روحانی و جسمانی فراهم نم .

خداوندا! تـو خوب می‌دانی، اگر ما توفیق پیمـودن راه اولیائت را در تهذیب نفس و حسـن اخلاق و صفای باطن نیافته ایم، خواهان و عاشـق آن هستیم، ما را بر این کار موفق دار و در این راه ما را یاری فرما و به گروه «من انعم الله علیهم» ملحق نما و همراه و همدم «و حسن أولئک رفیقا» کن!.

امیدواریـم ان شـاءالله خداونـد توفیق الگوگیری از انبیاء، اولیای الهی و عالمان دین را در ماه مبارک رمضان برای تبدیل شـدن به انسـانی کامل و متعالی عنایت بفرماید.

ره یافت هایی
از کلام مرجعیت در چشمهٔ معرفت:

مبانی و رویکردهای خدا محوری در صحیفهٔ سجادیه از منظر معظم له

پـروردگارا! صبر و اسـتقامت و پایداری و شکیبایی و خویشـتنداری ما را روز به روز زیادتر کن، و ما را در صف صابران حقیقی و واقعی قرار ده، و اجر و پاداش شکیبایان را به ما عنایت فرما، تا در سایه آن خشنودیت را جلب کنیم، و به بهشـتت درآییم، و در غرفه های آن جای گیریم

بدیهی است دعای مکارم الاخلاق صحیفهٔ سـجادیه درخواستی است از خداوند، برای رفع صفات ناپسـند و مذموم و راه و روشی که مورد رضایت خداوند است، لذا در این دعا که از امام سجاد علیه السلام نقل شده، صفات برجسته فردی و اجتماعی که در پرتو آن می توان طرح زندگی صحیحی برای فرد و جامعه ریخت، بیان گردیده است.

مرحوم امام خمینی در کتاب آداب الصلاة چنین می فرماید: در کلمـات ائمه اطهار خصوصاً در صحیفه سجادیه همان صحیفه نورانیه الهیه که از سماوی عرفان عارف بالله وعقل نورانی سـید الساجدین نزول یافته، برای خلاص بندگان خدا از زندان طبیعت وفهمانـدن ادب عبودیت وقیام در خدمت ربوبیت برنامه جالبی است.

آری! اینگونه است که باید به سراغ دعاهای پر مغز امام سجاد در صحیفه سجادیه رفت، و در پرتو توصیف های این بندگان مخلص خدا، خدا را شناخت.

امام سـجاد علیه السلام دربیستمین فصل دعای مکارم الاخلاق صحیفه سـجادیه به خداونـد عرضه می دارد:« اللّهُمّ أَنْتَ عُدّتِی إِنْ حَزِنْـتُ، وَ أَنْتَ مُنْتَجَعِـی إِنْ حُرِمْتُ، وَ بِک اسْتِغَاثَتِی إِنْ کرِثْتُ، وَ عِنْدَک مِمّا فَاتَ خَلَفٌ...؛هنگامی که غمگین می شوم تو یار و یاور من هستی، و هنگامی که محرومیت ها به سراغ من می آید تو تکیه گاه من هستی، و هنگامی که کار بر من دشوار و سخت می شود تو فریادرس من هستی، و هنگامی که از من چیزی تلف می شود تو جبران کننده آن هستی ...».

گفتنی اسـت امام سـجاد علیه السلام در بیسـتمین فصل دعای مـکارم الاخلاق به آسـیب های متعددی از قبیـل «اندوه و حزن»، «محرومیت»، «دشوار شدن کارها»، «زیان و ضرر».. و لزوم اتکاء به خداوند اشاره داشته اند. آن حضرت از خداوند می خواهد که ذات اقدس الهی در همه این مسائل، یار و یاور و جبران کننده باشـد. در واقع امام علیه السلام می خواهد این حقیقت را بازگو کند که من تنهـا ثنای تو می گویم و تنها به تو امید بسـته ام و حلال مشکلات من تنها تویی!.

اینچنین اسـت که آن حضـرت خدا را به عنوان ثقه و مورد اعتماد و تکیه گاه گرفته است. لذا در مناجات های پانزده گانه امام سجاد علیه السـلام وارد شده است که به پیشـگاه خدا عرضه می دارد؛«تو مراد منی و غیر تو مراد من نیسـت. شب‌زنده داری و بیـداری‌ام فقط برای توسـت نه غیر تو. دیدارت نور چشـم من و وصـل تو آرزوی من و به سوی تو شوق و اشتیاق من است. در وادی محبت تو سرگشـته و در هوای تو دل‌داده ام و خشـنودی‌ات مقصد و مقصود من ... و قرب تو منتهای خواسته من است».

لزوم اجتناب از منفی گرایی در مواجهه با مشکلات زندگی

بی تردید دعا انسـان را به خدا نزدیک می کند و روح او را تلطیف کرده و نشاط روحانی او را افزایش می دهد؛ امید او را به آینده زیاد کرده، و از سـقوط در دره هولناک یأس و افسردگی رهایی می بخشد. زیرا انسان می کوشد با توجه مخصوص به پروردگار، راز و نیاز با او و نیایش به درگاه پاکش، روح خود را از جهان ماده برتر سـاخته، قلب و جان خود را از آلودگی به گناه شسـته و صفات برجسته انسانی را در خود پرورش دهد، و با استمداد از قدرت و عظمت پروردگار، یأس و نومیدی را از خود دور سازد، همواره بیاد خدا بوده، و در برابر او احسـاس مسؤولیت کند. بنابراین باید دانست روزهای سخت و دشوار همراه با مشکلات وجود دارد و اینکه ما بخواهیم زندگی، خالی از این ها باشـد امکان پذیر نیست.

در واقع باید گفت افراد در برابر مشـکلات زندگی دو رویکرد اتخاذ می کنند، گروهی مأیوس و افسرده می شوند و خدای ناکرده دست به خودکشی می زنند و از جامعه کنار می روند و برای همیشـه خانه نشـین می شـوند و فعالیت ها را کنار می گذارند چرا که حالت منفی در مقابل مشکلات به خود گرفته اند. که این امر نگرانی و آشـفتگی و گاه یأس و حتی بدبینی به ساحت قدس خداونـد ایجـاد می کند که کار زشـت و ناپسندی است.

زیرا انسان های بی ایمان یا ضعیف الایمان چنان هستند که اگر مختصر نعمتی از نعم الهی از آنها سلب شود زبان آنها به ناشکری و اظهار یأس و نا امیدی گشـوده می شود، لذا باید گفت مؤمنان راستین کسانی هستند که نه به هنگام نعمت گرفتار غرور و غفلت می شـوند و نه به هنگام مصیبت، گرفتار یأس و نومیـدی، بلکه نعمت را از خدا می دانند و شکر به درگاه او می برند، و مصیبت را آزمون و امتحان، و یا نتیجه اعمال خویش محسوب می دارند و صبر می‌کنند و رو به درگاه او می آورند.

چنانکه امام سجاد علیه السلام در در دعای ابوحمزه مـی فرمایند«همانا به خاطر قدم امید بـه تو و عظمت طمـع (بندگان) در وجود تو طلب مـی کنم آنچه را که واجب کردی بر نفس خـودت که رأفت و رحمت اسـت». البته این طمع ممدوح و امید به این رحمت و ثواب و قرب الهی و دخول در جنت به صرف طمع حاصل نمی شـود. آن امام سجاد علیه السلام، که طمع در رحمت الهـی دارد، به وظائـف و تکالیف الهی نیز عمل کرده، و چنین توقعی دارد.

خداوند؛ کلید گشایش غم و اندوه

امام سجاد علیه السلام دربیستمین فصل از دعای مکارم الاخلاق صحیفه سجادیه در فرازی به خداوند عرضه می دارد:«اللّهُمّ أَنْتَ عُدّتِی إِنْ حَزِنْتُ؛هنگامی که غمگین می شوم تو یار و یاور من هستی».

لازم به ذکر است «حزن» حسرت خوردن و درد کشیدن به خاطر فقدان محبوبی یا فوت مطلوبی است. لذا در حدیثی از امام صادق علیه السلام می خوانیم: «اگر ساعتی حزن از دل های اهل معرفت پوشیده گردد به درگاه خدا استغاثه می کنند و آن را از او می خواهند».

بی تردید قدرت پروردگارعامل گشودن هر مشکل و از میان بردن هر اندوه و غم، و فراهم ساختن اسباب هر فتح و پیروزی است، در واقع هیچکس جز او« فتاح» نیست، و«مفتاح» و کلید همه درهای بسته در دست قدرت اوست.

بدین ترتیب شکایت کردن به درگاه خداوند نه تنها عیبی ندارد، بلکه نوعی دعا و تضرع و درخواست از اوست و در دعاهای معصومان هم آمده است، همان‌گونه که یعقوب پیغمبر علیه السلام بعد از آنکه یوسف علیه السلام و بنیامین علیه السلام را از دست داد در برابر سرزنش افراد گفت: «قال إنما أشکوا بثی و حزنی إلی الله » ؛ من غم و اندوهم را تنها به خدا شکوه می کنم» .

و نیز در مناجات دوم از مناجات های پانزده گانه امام سجاد علیه السلام می خوانیم:««إلهی إلیک أشکو نفسا بالسوء أمارة؛ ای معبود من، به تو شکایت می کنم از نفسی که مرا به بدی فرمان می دهد».

پس عارفان و مؤمنان دارای حزن هستند ، و سرچشمه غم عارفان و پرهیزکاران مقصر دانستن خود در پیشگاه الهی، و اینکه از عهده تکالیف الهی برنیامده اند، آن طوری که باید طاعت و فرمانبرداری خدا را کنند، نکرده اند، و همین احساس است که همانند امام چهارم (که از کثرت عبادت ملقب به زین العابدین است) را وادار می کند که در دعای ابوحمزه ثمالی با سوز و گذار چنین گوید: «چه کسی بد حال‌تر از من است، اگر با این حالت به قبرم منتقل شوم، قبری که مهیا نکرده ام آن را برای خوابیدن، و فرش نکرده ام آن را با عمل صالح، چرا نگریم در حالی که نمی‌دانم مسیر من به چه طرف است، و می بینم نفس با من خدعه می کند، و روزگارم با من مکاری و عقاب مرگ بر سرم پر و بال گشوده، چرا نگریم، می گریم؛ برای خروج نفس و جانم، می گریم برای تاریکی قبرم، می گریم برای تنگی لحدم، می گریم برای سؤال منکر و نکیر (دو فرشته ای که در قبر مسئول، سؤال هستند) از من، می گریم برای خارج شدن از قبرم، در حالی که برهنه و ذلیل و حمل کننده سنگینی بار اعمالم بر پشتم هستم ...».

در سایهٔ حمایت خدا نه خلق خدا

از آن‌جا که انبیاء الهی علیهم السلام و خاتم پیامبران صلی الله علیه و آله و سلم و امامان معصومین علیهم السلام مقام والایی در معرفهٔ الله داشته اند، به خوبی می دانستند که منبع اصلی هر قدرت و خیر و برکتی خدا است، و اگر خدا حمایت از کسی کند اگر تمام جهانیان دست به دست هم دهند قدرت بر این‌که زیانی به او برسانند، ندارند.

لذا پیامبران علیهم السلام و معصومان علیهم السلام هم در برابر وسوسه های شیطان باید خود را به خدا بسپارند و هیچکس از لطف و حمایت خدا در برابر وساوس شیاطین و نفس بی نیاز نیست، حتی معصومان علیهم السلام.

از این رو امام سجاد علیه السلام در بیستمین فصل دعای مکارم الاخلاق صحیفه سجادیه می فرماید؛«وَ أَنْتَ مُنْتَجَعِی إِنْ حُرِمْتُ؛ و هنگامی که محرومیت ها به سراغ من می آید تو تکیه گاه من هستی»

گفتنی است کسانی که در مقام رهبری خلق و پیشوایی و تأسی مردم قرار گرفته اند، آنها همیشه برای تن در دادن به محرومیت ها برای نیل به رضای خدا و هدایت خلق تلاش می کنند زیرا مؤمن در میدان حوادث خود را تنها نمی بیند، بلکه دست لطف و حمایت خدا را دائما بر سر خویش احساس می کند.

شکی نیست که حمایت خدا شامل حال پرهیزکاران است. لیکن نکته بسیار مهم این است که انسان بفهمد ضعیف است و تا حمایت الهی نباشد نمی تواند کاری صورت دهد. ازاین‌رو کارها را برای خدا بکند، اگرچه مردم از او ناراضی و خشمگین گردند لذا ما باید مردم را برای خدا بخواهیم نه خدا را برای مردم. مبادا روزی که برای جذب مردم، خدا را از خود ناخشنود سازیم.

از آن‌جا که افراد با ایمان، مخصوصاً سالکان الی الله و بندگان سپاسگزار و ترسان از هوای نفسانی و وسوسه های شیطانی باید پیوسته به یاد خدا باشند؛ و همواره خود را در پناه او و تحت حمایت آن کریم بنده نواز قرار می دهند ، لذا اگر توکل بر خدا باشد او هم حمایت و راهنمایی می کند. «و من یتوکل علی الله فان الله عزیز حکیم؛ هرکس بر خدا توکل کند پیروز می گردد؛ چرا که خداوند توانا و حکیم است». زیرا همه نیاز توکل کنندگان را می داند، و هم قادر بر حمایت از آنها است.

خداوند؛ بهترین یار و مددکار در مشکلات و سختی ها

یک نگاه اجمالی، به سراسر زندگی انسان در این جهان نشان می دهد که همه آن آمیخته با رنج و مشقت است، از آن لحظه ای که نطفه اش در رحم قرار می گیرد، مراحل زیادی از مشکلات را طی می کند تا متولد شود و بعد از تولد در دوران طفولیت و جوانی و بعد پیری مواجهه با انواع مشقت ها و رنج هاست که قرآن به این نکته اشاره می کند و می فرماید: «لقد خلقنا الإنسان فی کبد؛ ما انسان را در رنج آفریدیم (و زندگی او پر از سختی است)».

هم زندگی او توأم با رنج است هم اطاعت فرمان پروردگار توأم با سختی هاو مشکلات است. لذا امام سجاد علیه السلام در فصل بیستم دعای مکارم الاخلاق به خدا عرضه می دارد؛«وَ بِک اسْتِغَاثَتِی إِنْ کرِثْتُ؛ هنگامی که کار بر من دشوار و سخت می شود تو فریادرس من هستی».

با تأمل در آموزه های قرآنی می توان دریافت که طبیعت زندگی این جهان در هیچ مرحله خالی از مشکلات، ناراحتی ها، و رنج و مشقت نیست، خواه این مشکلات جنبه جسمانی و بدنی داشته باشد، و یا جنبه روحی و فکری و یا هر دو، و هیچکس را خالی از آن نمی بینیم.

در حدیث بسیار پرمعنایی از امام علی بن الحسین علیه السلام می خوانیم:«الراحهٔ لم تخلق فی الدنیا و لا لاهل الدنیا...؛ راحتی و آسایش در دنیا و برای اهل دنیا وجود ندارد، راحتی و آسایش تنها در بهشت است، و برای اهل بهشت! رنج و تعب در دنیا آفریده شده، و برای اهل دنیا، و (به همین دلیل) هر کسی پیمان ای از آن به دست می آورد دو برابر آن حرص نصیب او می شود، و کسانی که از دنیا بیشتر دارند فقیرترند! زیرا محتاج دیگران در حفظ اموال خویشند، و به وسائل و ادوات زیادی برای حفظ آن نیازمندند، بنا براین در ثروت دنیا راحتی نیز وجود ندارد».

سپس امام علیه السلام در ذیل این حدیث فرمود:«کلا ما تعب اولیاء الله فی الدنیا للدنیا، بل تعبوا فی الدنیا للآخرهٔ؛ هرگز دوستان خدا در دنیا به خاطر دنیا رنج و تعب نمی کشند، بلکه رنج و تعب آنها در دنیا برای آخرت است».

از این رو باید با تأسی از امام سجاد علیه السلام که فرمود؛ «مَنْ یُجِیبُ دُعَاءَ الْمُضْطَرِّ فِی الظُّلَمِ،یَا کَاشِفَ الضُّرِّ وَالْبَلْوَی مَعَ السَّقَمِ؛ ای کسی که دعای گرفتاران را در تاریکی های شب اجابت می کنی! ای کسی که دردها ورنجها وبلاها را برطرف می‌سازی!»، تنها باید بر خدا تکیه کرد؛ خدایی که بهترین یار و مددکار و مدافع است.

خداوند ؛ بهترین جبران کننده

بدون شک معلومات ما در برابر مجهولات بسیار ناچیز است، و آنچه ما از اسرار آفرینش و جهان هستی می دانیم در برابر آنچه نمی دانیم همچون قطره‌ای در برابر اقیانوس عظیمی است. حوادث ناگوار در طول زندگی انسان، حوادث طبیعی تلخ و دردناک و بلاگونه‌ای رخ می دهد که گروهی را خشک و تر می سوزاند، ویرانی ها و کشتارهای زلزله ها و طوفان ها و خشکسالی ها و قحطی ها را همه شنیده ایم، معمولا هنگامی که این حوادث پیش می آید این سؤال مطرح می شود: مگر نه این است که همه عوامل و اسباب طبیعی تحت امر خدا هستند؟ و آب و باد و خاک و آتش سر بر فرمان اویند، رودها از خود طغیان نمی کنند، و آنچه او فرمان می دهد همان می کنند، آیا این‌گونه امور با اصل عدالت و حکمت او سازگار است؟.

در پاسخ باید به کلام امام سجاد علیه السلام استناد نمود که فرمود؛« وَ عِنْدَک مِمّا فَاتَ خَلَفٌ؛ و هنگامی که از من چیزی تلف می شود تو جبران کننده آن هستی».

در تبیین این کلام نورانی باید گفت دلبستگی شدید انسان به دنیا باعث می شود که دائم روحش در عذاب باشد. واقعا اگر ما در مسائل زندگی مادی به آیه «لکیلا تأسوا علی ما فاتکم ولا تفرحوا بما آتیکم؛ این به خاطر آن است که برای آنچه از دست داده اید تأسف نخورید و به آنچه به شما داده است دلبسته و شادمان نباشید» ، بلکه ایمان داشته باشیم و بدان عمل کنیم که در این صورت خیلی راحت هستیم.

به راستی چیزی که از دست رفت چرا غصه بخوریم؟ و چیزی هم که دارید زیاد به آن نچسبید که اگر گرفتند فریادتان بلند شود. بلکه خدا می خواهد بندگانش را با انواع شدائد بیازماید، و با انواع مشکلات در طریق انجام عبادتش روبرو کند، تا تکبر از قلب هایشان فرو ریزد، و خضوع و فروتنی در آن جایگزین گردد و در پرتو این فروتنی و خضوع درهای فضل و رحمتش را به روی آنها بگشاید و وسائل عفو خویش را به آسانی در اختیارشان قرار دهد.

سخن آخر

در خاتمه باید گفت ما هر وقت بخواهیم روح دعا و نیایش و توجه بیشتر به درگاه خداوند و عشق به ذات پاکش در ما پیدا شود باید به سراغ دعاهای چهارمین پیشوای مکتب شیعه، امام علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب، مشهور به «سجاد» علیه السلام برویم و همچون گیاهان نورس که از ابر پربرکت بهاری سیراب می شوند از آن سیراب گردیم.

بی تردید کتاب صحیفه سجادیه میراث بزرگی است که مجموعه ای است از بهترین و فصیح‌ترین و زیباترین دعاها، با محتوای بسیار بلند و بالا و عمیق، که جمله به جمله آن درس تازه‌ای به انسان می آموزد، و به راستی طرز نیایش و مناجات با خداوند را به هر انسانی می آموزد، و روح و جان آدمی را نور و صفا می بخشد.

مگر نه این است این امامی که دارای مقام عصمت است این‌گونه در خانه خدا راز و نیاز می کند، کی می شود که ما دعا کردن را هم از اینان یاد گیریم. بی شک این فراز های نورانی؛ مناجات کسانی است که در برابر انبوه آفات سعادت، به قدرت و توانایی او پناه می برند و به ریسمان الهی چنگ می زنند و حمایت و پشتیبانی خدا را می طلبند.

لذا باید بیاموزیم که نه تنها در نعمت و کامیابی و سلامت و رفاه خداوند متعال را حمد و سپاس بگوییم؛ بلکه، در بلا و شدت و مصیبت، و به هنگام هجوم طوفان حوادث نیز، شاکر و سپاسگزار باشیم . چرا که، اولا می دانیم هر کاری می کند، موافق حکمت و نهایت مصلحت است، حتی مصایبی که برای آزمایش ما، یا به عنوان کفاره گناهان ما، یا سبب بیداری ما از خواب غفلت است. اینگونه است که ما اجر صابران، و پاداش شاکران را می بریم و این خود نعمت دیگری است.

بنابراین برای اطاعت فرمان او، و رعایت حقوقش، باید از او یاری بجوییم؛ که بدون یاری او، کاری از ما ساخته نیست و این همان چیزی است که شب و روز در نمازها می گوییم: «إیاک نعبد و إیاک نستعین».

پروردگارا! صبر و استقامت و پایداری و شکیبایی و خویشتنداری ما را روز به روز زیادتر کن، و ما را در صف صابران حقیقی و واقعی قرار ده، و اجر و پاداش شکیبایان را به ما عنایت فرما، تا در سایه آن خشنودیت را جلب کنیم، و به بهشتت درآییم، و در غرفه های آن جای گیریم.

رونمایی از نرم افزار کاربردی «پژوهش یار»

نرم افزار پژوهش یار با هدف سهولت فیش برداری و ثبت یادداشت های شخصی به منظور انجام فعالیت های پژوهشی طراحی شده است.

جمع آوری مطالب، فیش نگاری و مدیریت فیش ها/یادداشت ها یکی از ابزار های مهم پژوهشی است. نرم افزار «پژوهش یار» با هدف سهولت فیش برداری و ثبت یادداشت های شخصی به منظور انجام فعالیت های پژوهشی، هماهنگ با نرم افزارهای تولیدی پایگاه اطلاع رسانی دفتر حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی مدظله طراحی شده که دارای امکانات زیر است:

۱- امکان یادداشت برداری از نرم افزارهای تولیدی پایگاه و ایجاد شاخه مرتبط با آن.

۲- ایجاد موضوعات پژوهشی مختلف به تفکیک رنگ به منظور سهولت تشخیص مطالب ذیل هر موضوع با قابلیت حذف و ویرایش موضوعات.

۳- امکان فیلتر نمودن فیش ها (یادداشت ها) بر حسب موضوع و یا به تفکیک نرم افزار ها.

۴- امکان تهیه پیشتیبان و بازیابی اطلاعات فیش نگاری شده از فهرست موضوعات و فیش های درج شده به منظور اشتراک گذاری با دیگران.

۵- امکان انتخاب مطلب به صورت مستقیم، از نرم افزار های تولیدی پایگاه اطلاع رسانی حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی (مد ظله العالی) با توجه به غنای محتوایی نرم افزارها در زمینه علوم و معارف اسلامی با قابلیت درج حاشیه بر مطالب انتخاب شده.

۶- امکان درج مطالب انتخاب شده از سایر نرم افزارها یا صفحات مرورگر سایت ها، در نرم افزار پژوهش یار با قابلیت درج عنوان و انتصاب مطلب به موضوعات پژوهشی موجود.

۷- امکان درج فیش های مستقل از داخل نرم افزار و انتصاب آن به موضوعات پژوهشی.

۸- امکان مرتب سازی فیش های ذیل یک موضوع بر اساس آخرین تاریخ ویرایش/ایجاد و یا بر اساس حروف الفبای عناوین فیش ها به صورت صعودی و نزولی.

هرگونه انتقاد یا پیشنهاد را از طریق بخش تماس با ما، یا از طریق رایانامه

it@makarem.ir

با ما در میان بگذارید.

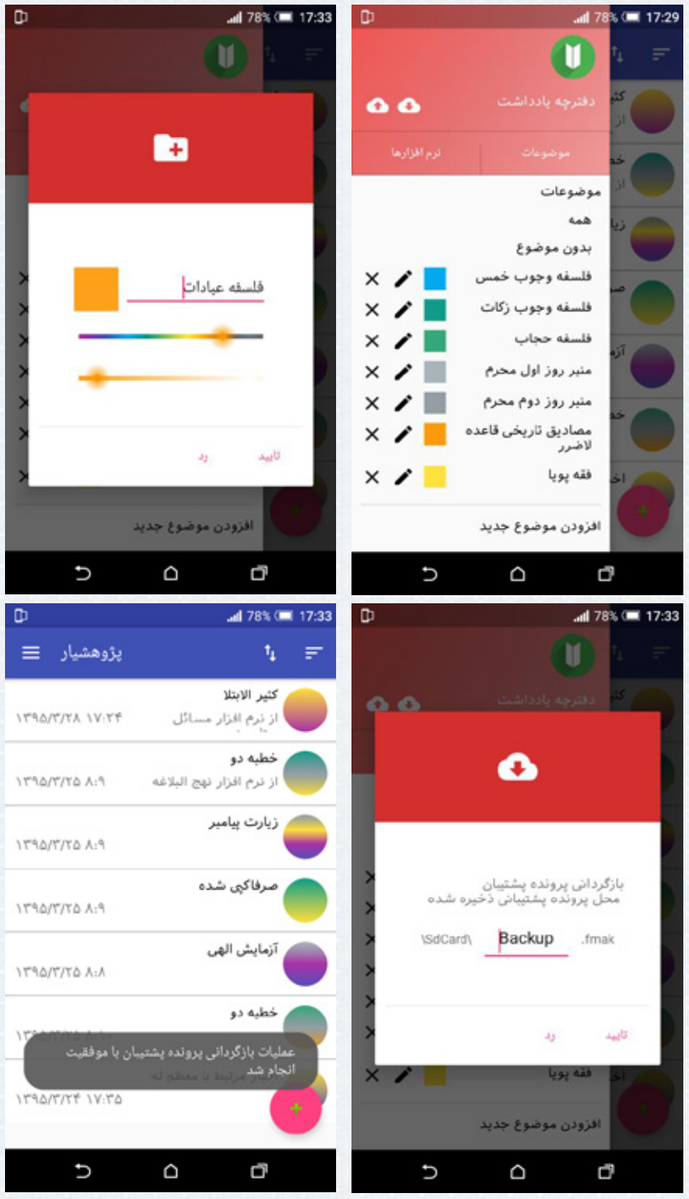

تبیین گفتمان عدالت طلبی در سیرهٔ علوی از منظر معظم له

خدایا! به مسئولین ما توفیق ده که همانند امیر آزادگان، آزاده باشند و همواره ضوابط را بـر روابط مقدم بدارند/حضرت علی علیه السـلام در سـخنی تکان دهنده هنگامی عطایایی که عثمان بی حسـاب و کتاب از بیت المال به اقوام و بسـتگانش داده بود، به بیـت المال باز گردانیـد فرمود: به خدا سوگند اگر آنچه عثمان بیهوده از بیت المال مسلمین به این و آن بخشیده شده بیابم، به بیت المال باز مـی گردانم، هر چند مهر و کابین زنان شده باشد، چرا که عدالت سبب گشایش و پیشرفت جامعه است، و آن کس کـه عدالت بر او گران آید تحمل جور، بر او گرانتر است.

بی شک یکی از اهداف بعثت و ظهور پیامبران الهی اجرای عدالت در جامعه انسانی است. این هدف به قدری مهم اسـت که می توان آن را هدف اصلی یا از اهداف اصلی پیامبران علیهم السـلام برشمرد . آری، تمام اولیا و انبیا و کتب آسمانی در مسیر اجرای عدالت گام برداشته اند. ، لذا قیام به قسط، عدالت اجتماعی از جمله اهداف پیامبر الهی است که در قرآن مجید آمده است.

بدین ترتیب خداوند پیامبرانش را با سلاح کتاب آسـمانی، بینات، و میزان به سـوی مردم فرستاد تا قیام به قسط نموده و مردم را بـه عدالت دعوت کنند، تا آنها باور کنند که زندگی بدون عدالت زندگی نیست، تا با میل و رغبت، و بـدون اکراه و اجبار در راه عدالت گام بردارند.

بنابرایـن، عدالت نه تنهـا مأموریت اصلی پیامبران اسـت، بلکه قانون حاکم بر جهان هستی است، وگردونه عالم هستی بر محور عدالت دور می زند.

بی تردید درباره امام علی علیه السـلام هر چه بنویسـند و هر چه بگویند باز نتوان به عمق فضایلش پی برد، از جمله فضایلی که برای ایشان بیان شده، عدالت حضرت است، علی خواهان عـدل و عدالت بود و اینگونه است که می بینیم عدالت علی علیه السلام آن چنان عالم گیراست که نه تنها علی علیه السلام در قلب و دل مسلمانان بلکه بر قلب همه انسان های آزاده حکومت می کند.

از این رو نویسـنده معروف مسیحی «جرج جرداق» کتاب عاشـقانه «صـوت العدالة الانسـانیة؛ بانگ عدالت جهان بشریت» را درباره حضرت علی علیه السـلام نوشت، او همچون عاشـقی با علی علیه السلام رفتار می کند؛ عاشق فکر علی علیه السلام؛ عاشق عدالت علی علیه السـلام؛ عاشق قلم علی علیه السلام؛ عاشق رفتار و کردار علی علیه السلام و عاشق تقوای علی علیه السلام.

اصولاً امیر مؤمنان علی علیه السـلام یکی از بزرگتریـن بنیان گذاران عدل در جامعه بشری است. لذا در نهج البلاغه بارها و بارها روی مسـأله عدالت و انصاف تکیه شده و درباره عدالت آن حضـرت مطالب فراوانی وجود دارد که برخی از آنها بخاطر مشـهور بودنش مورد توجـه دقیق قرار نمی گیرد، حـال آنکـه در نهج البلاغـه آن حضرت، بسیاری از خطبه ها و نامه های آن حکایت از عدالت علی علیه السلام دارند.

چیستی مفهوم عدالت

عدالت دارای دو معنی متفاوت است:

۱- معنی وسیع این کلمه «قرار گرفتن هر چیز در جای خویش» است و به تعبیر دیگر موزون بـودن و متعادل بودن. این معنی از عدالت در تمـام عالم آفرینش، در منظومه ها، در درون اتم، در ساختمان وجود انسان، و همه گیاهان و جانداران حکم فرماست.

حال با این تفاسیر بدیهی است اگر آب را به پای بوته گل و درخت میوه بریزند در جای خود مصرف شده، و این عین عدالت است، و اگر به پـای علف هرزه های بی مصرف و خار بریزند در غیر مورد مصرف شده، واین عین ظلم است.

۲- معنـی دیگر عدالـت «مراعات حقوق افراد» است، و نقطه مقابل آن «ظلم» یعنی حق دیگـری را گرفتن و به خود اختصاص دادن، یا حق کسـی را گرفتن و به دیگری دادن، یا تبعیض قائل شدن، به این ترتیب که به بعضی حقوقشان را بدهند و به بعضی ندهند. روشـن است معنی دوم «خاص» و معنی اول معنی «عام» است.

به تعبیر دیگر، تعادل هریک از قوای سـه گانه به تنهائی فضیلتی اسـت که حکمت و عفت و شـجاعت نام دارد، و ترکیب آنها با یکدیگر، یعنی تبعیت شهوت و غضب از نیروی ادراک، فضیلت دیگری محسوب می شود که عدالت نام دارد.

ملکه عدالت یعنی یک حالت خدا ترسـی باطنی که انسـان را از ارتکاب گناه باز دارد و به انجام وظایف و قیام به واجبات دعوت نماید.

و در نهایت عدالت بر طبق عقیده فقها حالتی است که انسان را از عصیان و سرکشی بازمی دارد، اگر این حالت در انسـان مستحکم و زیربنای حالات انسانی شد، توانسته در برابر امواج شهوت سدی بسازد که اگر در مواقعی هم این سد به واسطه امواج آسیب ببیند و یا حتی شکسته شود، قابل ترمیم است زیرا هنوز بنیان و پی روحیات باقی است.

تقدم ضابطه بر رابطه

یکی از ارزش هائی که امیر المؤمنین علیه السلام سخت بدان پایبند بود، تقدم ضابطه بر رابطه می باشـد، که نمونه آن داسـتان آهن تفتیده است؛ لذا امام علیه السلام برای مأیوس کردن همه امتیاز طلبان ناروا از بیت المال مسلمین، داسـتان تاریخی برادرش عقیـل و حدیـده محماۀ را بیـان فرمود؛ داستانی که فرهنگ عدالت اسلامی و مقدم داشتن ضابطه بر رابطه در آن موج می‌زند.

آنجا کـه عقیل برادر امیرمؤمنان علی علیه السـلام تقاضا کرده بود کمی بر سهمیه او از گندم بیت المال بیفزاید، و ضابطه عدالت بین مسلمین را به خاطر رابطه برادری کمی تغییر دهد، علی علیه السـلام آهنی را در آتش گذارد، و نزدیک دسـت او برد، فریاد عقیل بلند شـد، و امام با عصبانیت فرمود: «ای عقیل از آهن تفتیده‌ای که انسانی آن را به بازی سـرخ کرده (و نزدیک دست تو آورده) ناله می‌کنی، اما مرا به سـوی آتشی می کشانی که خداوند جبار با شعله خشم و غضبـش آن را برافروختـه؟»، « آیا تو از این ناراحتی مختصـر می نالی و من از آن آتش سـوزان ننالم؟». ، در ادامه عقیل که دید این فرمانروای آزاده حاضر نیست حتی برای لحظه ای از خط عدالت خارج شـود، برخاست و رفت.

به راسـتی در طول تاریخ عالم بشریت کجا سراغ دارید که برادری قدرتمند و اختیاردار خزانه کشور، برای حفظ عدالت این گونه با برادرش رفتار کند!

پیامبر اکـرم صلی الله علیـه و آله عدالت محوری را شعار خویش قرار داده بود و می فرمود: «أمرت لاعـدل بینکم»؛ مأمورم در میان شـما عدالت را اجرا کنم» و جانشین برحق و بلافصل آن حضرت نیز حاضر نشد. بیش از دیگران، حتی به مقدار کم، به برادر نیازمندش عقیل از بیت المال کمک کند.

این همان چیزی اسـت که امروز از آن به عنوان مقدم داشـتن ضابطه بر رابطه تعبیر می شـود و کاری است بسـیار مشکل که انسـان حق را بر پیوندهای خویشاوندی و دوستان نزدیک و همکاران خود مقدم دارد و معاونان خود را در برابر حق به فراموشـی بسپرد و اگر خواسته آنها بر خلاف حق است اجرای حق را بر خواسـته آنها مقدم بدارد. همان چیزی که نمونـه کاملش خود امام علیه السلام است.

حفاظت و صیانت از بیت المال

بی شک نه تأثیر اجرای عدالت اجتماعی در آرامش و سلامت جامعه بر کسی پنهان است و نه عدل امیرمؤمنان علی علیه السـلام. او از لحظه نخست حکومتش که بعد از دوران پـر مخاطره عثمان بود که با ریخت و پاش گسـترده بیت المال و روی آوردن گروهی از سرشناسان جامعه اسلامی به زندگی پر زرق و برق صورت گرفت ، با صراحت از لزوم اجرای عدالت اجتماعی سخن می گفت.

عدالت جویی شگفت انگیز علی علیه السلام ایجـاب می‌کرد که ثروت هـای کلانی که عمال بنی امیـه در دوران حکومت عثمان به ناحق بـه چنگ آورده بودنـد، مصادره کـرده و به بیت المال برگردانـد. زیرا امام علیه السلام هیچ گونه علاقه ای به خلافت ظاهری نداشت و هرگز به آن به صورت یک هدف نمی نگریست، بلکه تنها به عنوان یک وسـیله برای کوتاه کردن دست ظالمان از گریبان مظلومـان و برقراری نظم و عدالت خواهان آن بود.

لذا دشـمنان و حتی برخی دوسـتان آن حضرت می گفتند که تقسیم عادلانه بیت المال، هر چند حق اسـت، اما هماهنگ با مصلحت نیست و باید سردمداران را مقدم شـمرد و ثروتمندان صاحب زور را سـهم بیشـتری داد و از سهم مستضعفان تسلیم در مقابل حق کاست در حالی که علی علیه السـلام دقیقا طرفدار اجرای حق و عدالت بود، هر چند برای گروهی ناخوشایند باشد و دست از حمایت او بردارند یا به مخالفتش برخیزند.

از سوی دیگر مردم نیز از شرایط زمان خلفا، مخصوصا عثمان و زیر پا ماندن ارزش های اسلامی و تقسـیم ناعادلانه بیت المال در میان منسـوبین خلیفه و دادن پست های کلیدی کشـور اسـلامی به دست نااهلان، چنان ناراحت و نگران بودند که برای نجات خود راهی جز پناه بردن به کسـی که تمام ارزش های اسلامی را در وجود او جمع می دیدند، نداشتند.

آری آنها تشـنه عدالت بودند. تشنه اسلام راستین و ناب، تشنه معارف قرآنی و خالی از هر گونه آمیختگی با خرافات و پیشداوری های نادرست، و همه این امور را در امام امیر المؤمنین علیه السلام مشاهده می کردند، تشنه کامان، به هنگام مشاهده آب هرگز به سراغ سراب نمی روند و عاشقانه به آب زلال و گوارا روی می آورند.

از این رو آن حضرت در یک سـخن تکان دهنده هنگامی کـه عطایایی را که عثمان بی حسـاب و کتاب از بیـت المال به اقوام و بسـتگانش داده بود، به بیـت المال باز گردانید فرمود: « به خدا سـوگند اگر آنها را (آنچـه از عطایای عثمان) بیهوده از بیت المال مسـلمین به این و آن بخشیده شده بیابم، به بیت المال باز می گردانم، هر چند مهر و کابین زنان شده باشد، و یا کنیزانی را با آن در اختیار گرفته باشند، چرا که عدالت سبب گشایش و پیشرفت جامعه است، و آن کس که عدالت بر او گران آید تحمل جور، بر او گرانتر است».

و هنگامی که به آن حضرت پیشنهاد کردند برای پیشـرفت کار حکومتت (حداقل در آغاز کار) برای افـراد صاحب نفوذ امتیازی در عطایای بیت المال قایل باشـد، امام از این پیشنهاد خشمگین شـد و فرمود: «... هرگز به چنین کاری دسـت نمی زنم، اگر این اموال از خودم بود، به طور مسـاوی در میان آنها تقسـیم می کـردم (و عدالت را رعایت می نمودم) تا چه رسـد به این که این اموال، اموال خدا است (و متعلق به بیت المال است)».

حتی گاه نزدیک‌ترین دوسـتان خود را در مورد خیانت در بیت المال تهدید می‌کرد تا دیگران به حساب خود برسند، و بدانند این مسأله بسـیار جدی است. در همین رابطه در نامه ای که امیرمؤمنان علی علیه السلام به بعضی از فرمانداران کشور اسلامی که از آشـفته بودن جامعه اسلامی به خاطر بروز پاره‌ای از جنگ‌ها سوء استفاده کرده و اموال بیت المال را به غارت برده بود می نویسـد: « از خدا بترس و امـوال مردم (اموال بیت المال) را به آنها بازگردان که اگر این کار را نکنی و خداوند مرا بر تو مسلط سازد وظیفه ام را در برابـر خدا دربـاره تو انجام خواهم داد، و با این شمشـیرم که هیچ کس را با آن نـزدم مگر این که داخل دوزخ شـد به تو خواهم زد، به خدا سـوگند اگر حسن و حسـین کاری همانند تو انجام دهند، هیچ پشتیبانی و هواخواهی از سوی من نخواهند داشت، و در اراده من تأثیر نمی کند، تا آن زمان که حق را از آنها بستانم».

این تعبیرات شدید و سخنان تکان دهنده نشـان می دهد علی‌رغم این که گروهی از مردم خیانت به بیت المال مسلمین را سهل و ساده می شـمردند، لیکن در تعبیر امام علیه السـلام خیانت به امـت و خیانت به بیت المال و حکومت اسلامی است که آثار زیانبار آن بسیار گسترده تر از خیانت های فردی است و از بزرگترین خیانت ها و کیفر آن از شدیدترین کیفرها است.

تحقق عدالت طلبی در گـرو احیاء نظریهٔ

«هدف وسیله را توجیه نمی کند»

آن حضرت در فـرازی در نفی ابزار گرایی بـرای حصول به هـدف فرمـود؛ من اگر دسـت به کارهایی نمی‌زنم که دشـمن را ناجوانمردانه از پای در آورم، و با اسـتفاده از وسیله نامقدس به مقصود برسم به خاطر این نیست که از این امور آگاهی ندارم، بلکه بدین جهت است که من از خدا می ترسم، و در مناسباتم با همه کس، حتی با دشمن، به اصول عدالت و جوانمردی و تقوی پایبندم! من هدف را توجیه گر وسـیله نمی‌دانم و رسیدن به پیروزی بر دشمن را به هر قیمت قبول ندارم، ولی دشـمنان من به هیچ یک از این اصول پایبند نیستند، ... هنگامی که ساده لوحان، تحرکات آنها و احتیاطات مرا می بیننـد، آن را حمل بر عدم آگاهی من از اصول سیاسـت می کننـد، حال آن که سیاسـت های آمیخته با تقوی از سیاست های تبهکاران و ظالمان و فرصت طلبان بی تقوا جدا است.

هم چنیـن آن حضرت در زمینـه برنامه هـای اجرایی هرگز اجازه نداد که از منطق «هدف وسـیله را توجیه می کند» استفاده کنند، برای رسیدن به هدف‌های مقدس به دنبال وسائل مقدس بود، صریحا می گفت «ولا یجرمنکم شـنآن قوم علی الا تعدلوا»؛ «دشـمنی با هیچ گروه نباید مانع شما از اجرای عدالت گردد». دستوراتش در زمینه رعایت اصول اخلاقی در میدان جنگ عدم تعرض نسبت به غیر نظامیان، از بین نبردن نخلسـتان‌ها و درختان، آلوده نساختن آب آشامیدنی دشمن و رعایت نهایت محبت با اسیران جنگی و ده ها مانند آن روشنگر این واقعیت است.

چرا عدالـت علی علیه السـلام را بر نمی تابیدند؟

مورخ معروف، «ابن اثیـر» در «کامل» در این زمینه چنین می گوید: «...بعد از واقعه قتل عثمان...مردم به سوی علی علیه السلام هجوم آوردند و گفتند: «آمده ایم با تو بیعت کنیم....، لیکن علی(علیه السـلام) فرمود: «مرا رهـا کنید! و به دنبال دیگری بروید .. بدانید اگر من پیشنهاد شما را اجابت کنم (به سنت‌های غلط پیشین تن نمی‌دهم و شـما را به راهی می برم که می دانم (عین حق و عدالت است)».

علی علیه السـلام می دانست که حکومت حق و عدالت بـر مردمی که عادت به ظلم و سـتم کرده اند، بسـیار مشکل است و با مخالفت های شدید سران دنیا پرست روبرو خواهد شـد؛ ولی با این همه می دانسـت حفـظ اصول، هر چند بـه قیمت مخالفت ها، کارشکنی ها و سرانجام شهادتش تمام شود، کار بسیار پر ارزشی است.

آری آنها که با شور و شوق در هنگام بیعت با علی علیه السلام مانند پروانگان دور شمع، جمع شـده بودند، همگی تحمل عدالت او را نداشـتند، آن هم عدالتی که بعد از یک دوران طولانی بی عدالتی و غارت بیت المال و خو گرفتن گروهی با آن، انجام می شـد که طبعاً قبول آن برای بسیاری مشکل بود، به همین دلیل تنها، گروهی وفادار و مؤمن خالص بر سر پیمان خود باقی ماندند.

لذا امام علیه السلام هشدار می دهد که در بازگرداندن روح آزادی و مسـاوات و عدالت کمترین انعطافی نباید نشان داد بلکه اصولا مقـام والای حکومت را در درجه نخسـت برای همین امر پذیرفته اسـت ، و آن کس که گمان می برد علی علیه السلام روی این موضوع معامله ای خواهد کرد، سـخت در اشتباه است و علی علیه السلام را نشناخته است.

وسرانجام به کسانی که دستهایشان به این اموال آلوده اسـت و تصور مـی کنند این تصمیم امام علیه السـلام به زیان آنهاست انـدرز می دهد که این کار به نفع خود آنها می باشـد، زیرا اگر کسی عدالت بر او تنگ باشـد ظلم تنگ تر اسـت چرا که عدالت اموال حلال او را به او می دهد و تنها اموال نامشـروعش را می گیرد ولـی اگر تن به عدالت ندهند و رسـم ظلـم و جور را زنده کنند، تمام اموالشان به خطر می افتد، هم حلالشان و هم حرامشان! .

سخن آخر

هنگامی که به مطالعه شخصیت علی علیه السـلام می پردازیم، وی را در تمام صفات اخلاقی و انسـانی برترین می بینیم: علی با آن علـم و دانش، علی بـا آن قضاوت های عجیب و مبهوت کننده، علی با آن عبادت و بندگی غیر قابل توصیف، علی با آن شهامت و شـجاعت مثال زدنی‌اش و به ویژه علی با آن عدالت شدیدش که هیچ‌کس و هیچ چیز نمی تواند او را از مسیر عدالت خارج کند .

آری، اگـر علی علیه السـلام را، که در این اوصاف و ویژگی های دیگر برترین انسـان هاسـت، آیا از علی علیه السلام به حقانیت ادعای رسالت حضرت محمد صلی الله علیه و آلـه پی نمی بریـم؟ بنابراین، علی علیه السلام شاهد و گواه دیگری بر نبوت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم است.

جالب اینکه علی علیه السلام به دست خوارج شهید شـد و این جنایت بزرگ در جهان اسلام بوسیله آنها رخ داد و این کار در زمان خود آن حضرت نیز پیش‌بینی شده بود، با این حال امام علیه السـلام هر گونه انتقام جویی نسبت به آنها را رد می‌کند و حتی از مبارزه با آنان بعد از خودش نهی می فرماید و این یکی از نشـانه های بـارز عدالت آن حضرت است که در تاریخ زمامداران جهان، کمتر نظیر آن دیده شـده است. و بالاخره همین عدالت منتهی به شهادتش می شود.

حال شایسته است ما شیعیان و پیروان علی علیه السـلام به خود بنگریم که از عدالت علی علیه السلام چه مقدار درس گرفته ایم. آیا قدمی در این راه برداشـته ایم یا تنها به زبان شیعه او هستیم؟. بی شک اگر در پی سعادت و رسـتگاری هستیم، باید آن را از گذر عدالت علی علیه السلام جستجو کنیم و پیوسته مهر او را در دل داشته باشیم .

خدایا! به مسئولین ما توفیق ده که همانند امیر آزادگان، آزاده باشند و همواره «ضوابط» را بر «روابـط» مقدم بدارنـد. «پروردگارا درهای صلح و عدالت را بین ما و قوم ما به حق بگشا که تو بهترین گشایندگانی.

پـروردگارا! آنچنان تقوائی در پرتو ایمان به اسماء حسنایت به ما عنایت فرما که هرگز سر سوزنی از مسـیر عدالت جدا نگشته، و راه انحراف نپوئیم. و همیشه خواهان عدالت باشیم و مجری عدالت!.

خدایا! به مسئولین ما توفیق ده که همانند امیر آزادگان، آزاده باشند و همواره ضوابط را بر روابط مقدم بدارند/حضرت علی علیه السلام در سخنی تکان دهنده هنگامی عطایایی که عثمان بی حسـاب و کتاب از بیت المال به اقوام و بستگانش داده بود، به بیت المال باز گردانید فرمود: به خدا سوگند اگر آنچه عثمان بیهوده از بیت المال مسلمین به این و آن بخشیده شـده بیابم، به بیت المال باز می گردانم، هر چند مهر و کابین زنان شده باشد، چرا که عدالت سبب گشایش و پیشرفت جامعه است، و آن کس که عدالت بر او گران آید تحمل جور، بر او گرانتر است.

توضیحاتی درباره فتوای آیت الله العظمی مکارم شیرازی پیرامون حجاب

این اجازه برای بانوان همان کشورها و در صورتی است که امکان هجرت برای تحصیل در کشوری که این شرط خلاف شرع در آن جا وجود ندارد، ممکن نباشد و همچنین امکان تحصیل از راه دور و با استفاده از آموزش های غیر حضوری و فضای مجازی هم ممکن نبوده باشد. در واقع برای تحقق شرایط ضرورت، باید همه فرایندها طی شود

بسم الله الرحمن الرحیم

فتوای آیت الله العظمی مکارم شیرازی در اجازه برداشتن حجاب در بعضی از شرایط ضروری در مراکز آموزشی در بعضی از کشورهایی که اجازه ورود به آن مراکز با حجاب اسلامی داده نمی شود، ابهاماتی برای عده ای پیش آمده و برخی از افراد که اغراض خاصی را در این میان دنبال می کنند، با حذف موضوع سؤال و گسترش پاسخ به مواردی که در متن سؤال نیامده، به جنجال آفرینی دست زده اند و به دنبال تحریک مؤمنان غیرتمند بر آمده اند. روشن است در وضعیت فعلی حجاب در کشور، آن هم در آستانه هفته عفاف و حجاب، انتشار این فتوا و بی توجهی به موضوع سؤال و شأن ورود این پرسش، طبیعی به نظر نمی رسد...

از این رو، حقیرکه بیش از سی سال از محضر معظم له استفاده علمی می کنم و ۲۵ سال از نزدیک با ایشان همکاری علمی دارم، و با مبانی علمی و فقهی و اصولی ایشان آشنا هستم، لازم دیدم توضیحاتی پیرامون این فتوا بنویسم:

۱ـ این سؤال مربوط به ۱۵ سال قبل و در باره دانشجویان بومی کشورهایی مثل ترکیه و مانند آن است که پرسیده شد اگر در این کشورها شرط گذراندن ترم های دانشجویی در مراکز علمی و دانشگاهی مشروط به برداشتن حجاب باشد، تکلیف چیست؟ درفرض سؤال آیت الله مکارم شیرازی اجازه دادند که تنها در مورد ضرورت شدید در محدوده مرکز آموزشی حجاب خود را با شرایطی بردارند.

ایشان در استدلال برای این فتوا، نوشته اند با توجه به این که اگر دختران مسلمان دروس عالی را نخوانند، تنها افراد بی بند و بار و لا مذهب، پست های مهم را اشغال می کنند و بافت جامعه عوض می شود، به این افراد اجازه داده می شود که حجاب را در خصوص مواردی که ضرورت دارد، به مقدار ضرورت رعایت نکنند.

ایشان در ادامه تصریح کردند که در غیر این موارد حتما حجاب را رعایت نمایند.

روشن است که برابر نظر معظم له ـ همان گونه که اخیرا نیز در توضیحاتشان تصریح کردند ـ حجاب از ضروریات اسلام است و آیات ۳۱ سوره نور و ۵۹ سوره احزاب حکمی روشن درباره نحوه پوشش زنان مسلمان را بیان داشته است. بنابراین، در این که حکم اولی حجاب زنان مسلمان چگونه باید باشد و در نحوه پوشش آنان، از نظر اسلام تردیدی وجود ندارد. اما سخن آیت الله العظمی مکارم شیرازی ناظر به حکم ثانوی و به هنگام ضرورت است.

۲ـ احکام اولی و ثانوی در احکام اسلامی وجود دارد، حکمی که بدون توجه به عوارض خاصی از سوی شارع جعل شده است، حکم اولی و حکمی که ناظر به عوارض و شرایط خاص تشریع می شود، حکم ثانوی است. روشن است محدوده حکم ثانوی تنها در شرایط پیش رو است که با رفع آن، حکم ثانوی نیز برداشته می شود و همچنین در پاره ای از احکام ثانوی (مانند اضطرار) ارتکاب حکم ثانوی تنها به اندازه ضرورت و رفع نیاز است. مثلا حکم اولی اسلام حرمت اکل ذبح غیر شرعی است، اما در شرایط اضطرار (مانند گرفتار شدن در مکانی که جز ذبح غیر شرعی وجود ندارد) تنها به اندازه ضرورت اجازه استفاده از آن داده شده است. بحث اهم و مهم نیز از همین قبیل است، مثلا کذب که حکم اولی آن حرمت است، برای رفع اختلاف و اصلاح ذات البین که امر مهم تری است مجاز شمرده می شود و گاه برای نجات جان یک بی گناه واجب نیز می شود.

۳ـ اصل اهم و مهم یک اصل عقلایی است. عقلا نیز به هنگام مصلحت ملزمه، مهم را فدای اهم می کنند. مثلا همان ها که در شرایط عادی اجازه استفاده از آب غیر بهداشتی را نمی‌دهند، به هنگام ضرورت و خطر جانی، از آن استفاده می کنند و در واقع بیماری و یا ضرر جزیی استفاده از آب غیر بهداشتی را فدای نجات از مرگ که مهم تر است می نمایند.

۴ـ فهم اهم و مهم در مسائل دینی به عهده فقیه است. مثلا اگر کسی را به تهدید وادار به قتل بیگناهی نمایند، در این صورت فقیه چنین اجازه ای را نخواهد داد که کسی برای کشته نشدن، بی گناهی را بکشد، چرا که جان یک انسان مهم تر از جان دیگری نیست، تا برای رهایی از مرگ، جان بی گناه دیگری گرفته شود. ولی اگر تهدید به قتل مثلا برای وادار کردن به استفاده از یک غذای حرام باشد، طبیعی است که فقیه اجازه می دهد کسی برای حفظ جان خود از غذای حرام استفاده نماید. در این جا حفظ جان مهمتر از خوردن یک غذای حرام است.

۵ـ می دانیم ورود به دستگاه ظالمان در فقه اسلامی ـ به ویژه فقه شیعه ـ حرام است، ولی امام موسی بن جعفر علیه السلام به یکی از شیعیان خاصش به نام علی بن یقطین اجازه می دهد که در دربار ظالمی مانند هارون الرشید به عنوان وزیر ـ با شرایطی ـ حضور داشته باشد، تا بتواند به مظلومین و در ماندگان و گرفتاران کمک کند. و این در واقع برای تامین اهداف مهمتر بوده است.

۶ـ با توجه به آنچه بیان شد، فتوای آیت الله العظمی مکارم شیرازی در همین راستا ارزیابی می شود. چرا که، اولا، این فتوا ناظر به بومیان کشورهایی است که با حجاب اسلامی اجازه حضور در مراکز آموزشی داده نمی شود و ضرورت حضور بانوان مسلمان در مراکز حساس سیاسی و علمی و برای تاثیرگذاری متوقف بر تحصیلات عالیه و رشد علمی است وگرنه در چنین جامعه ای باید افراد مذهبی کنار بمانند و افراد بی قید به شریعت در مراکز حساس حضور داشته باشند. بانوان جامعه دینی افراد بی سواد و یا کم سواد و افراد بی دین با سواد و از تاثیر گذاران جامعه خود باشند. و این در نهایت سبب می شود که کم کم نگاه مردم و جوانان در چنین جامعه ای این گونه شکل بگیرد که مذهب، سبب عقب ماندگی و نا کامی افراد جامعه می شود.

ثانیا، می توان از فتوای معظم له چنین استنتاج کرد که این تنها مربوط به کشور هایی است که چنین شرط ظالمانه ای برای زنان وجود دارد، نه کشورهایی که ورود بدون حجاب شرط حضور در مراکز آموزشی نیست. و همچنین این فتوا شامل کسانی که از کشوری دیگر خود را به این کشورها می رسانند و با سوء اختیار خود را در معرض چنین ابتلایی قرار می دهند، نمی شود. که گفته اند: الاضطرار بالاختیار لا ینافی الاختیار.

ثالثا، این اجازه برای بانوان همان کشورها و در صورتی است که امکان هجرت برای تحصیل در کشوری که این شرط خلاف شرع در آن جا وجود ندارد، ممکن نباشد و همچنین امکان تحصیل از راه دور و با استفاده از آموزش های غیر حضوری و فضای مجازی هم ممکن نبوده باشد. در واقع برای تحقق شرایط ضرورت، باید همه فرایندها طی شود.

تحصیل بانوان مسلمان، جهت تاثیر گذاری در جامعه و تغییرات در بنیادهای فکری نیروهای تاثیرگذار، اهمیت ویژه ای پیدا می کند که می تواند مجوز چنین حکمی گردد و ای بسا در ادامه، همین زنان مسلمان بتوانند با نفوذ در مراکز تصمیم‌گیری، راه را برای تحصیلات عالیه نسل های آینده بدون چنین شرطی هموار سازند.

۷ـ گاه پرسیده می شود که اگر حضور در همان مراکز آموزشی، مشروط به ارتکاب خلاف های روشن دیگر، و یا تبری از قرآن و یا نبوت باشد، آیا حضرت آیت الله باز هم چنین مجوزی را صادر می کنند؟ به عبارتی گستره این تجویز تا کجاست؟ و ضرورت ها تا کجا می تواند احکام اولیه اسلام را تحت الشعاع قرار دهد ؟

پاسخ آن است که در فروض بالا حتما ایشان اجازه نمی دهند و ضرورت تحصیل را تا آنجا نمی دانند که عفت و پاکدامنی دختران آسیب ببیند و یا منجر به انکار ـ حتی ظاهری ـ قرآن و نبوت شود...

بنابراین، نمی توان با صدور مجوز تنها برای رفع حجاب جهت تحصیل آن هم در موارد بسیار ضروری توسط معظم له، این حکم را به سایر موارد تسری داد و آن را دستمایه ای برای هیاهو و جنجال آفرینی کرد. تشخیص اهم و مهم بر عهده فقیه است که هر موضوع تازه ای باید در معرض استفتای جدید قرار گیرد.

در ضمن نظر خوانندگان عزیز را به فتوای دو نفر از بزرگان فقهای عصر که در مسأله مصافحه با نامحرم در حال ضرورت بیان کرده اند، جلب می کنیم:

در استفتایی از آیت الله العظمی سیستانی چنین پرسیده شده است:

«در کشورهای اروپایی دست دادن به عنوان سلام و درود مطرح است، گاهی ترک آن کار، به محرومیت و اخراج از کارخانه و مدرسه و امثال آن می کشد، آیا یک مرد و یا یک زن مسلمان می تواند در چنین حالات استثنایی دست بدهد؟».

ایشان در پاسخ چنین مرقوم داشتند:

«اگر با پوشیدن دست کش و امثال آن نمی شود از آن مشکل رهایی یافت، جایز است مرد و یا زن مسلمان با دیگری مصافحه کند، آنجا که ترک چنان کاری موجب ضرر و زیان طاقت فرسا می شود».

(سایت رسمی آیت الله العظمی سیستانی: www.sistani.org)

همچنین آیت الله العظمی خویی در بیانی مشابه آورده اند:

«مصافحه جایز نیست مگر اینکه بر ترک آن مفسده و یا ضرری باشد». (صراط النجاة، (المحشی للخوئی)، ج ۲، ص ۳۷۱).

به هر حال از رسالت های یک فقیه زمان شناس، توجه به نیازهای زمان و حلّ مشکلات مسلمانان برابر قواعد روشن فقهی و اصولی است.

این سخن را با گفتاری از علامه آیت الله مطهری پایان می دهم، ایشان در کتاب ده گفتار صفحه ۱۲۰ چنین فرموده است:

اساساً رمز اجتهاد در تطبیق دستورات کلی با مسائل جدید و حوادث متغیر زمان است، مجتهد (جامع) واقعی آن است که این رمز را به دست آورده باشد، توجه داشته باشد که موضوعات چگونه تغییر می کند و بالطبع حکم آنها عوض می شود. تنها در مسائل سابق فکر کردن و حداکثر یک علی الاقوی تبدیل به علی الاحوط تبدیل کردن و یا یک علی الاحوط را تبدیل به علی الاقوی کردن کار مهمی نیست و جار و جنجال ندارد.

والسلام علی من اتبع الهدی

سعید داودی - عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

تحلیلی بر فرجام ننگین رژیم آل خلیفه از منظر معظم له

رژیم جنایتکار آل خلیفه بداند این شیعیان مظلوم تنها نیستند. حکومت بحرین بداند با اینگونه جنایت ها دشمنی همه مسلمانان جهان و به ویژه شیعیان را برای خود می خرند لذا اگر از جنایت های خود دست برندارند، بزودی ثمره تلخ و شوم آن را خواهند دید. بلکه اینگونه کارها سرانجام ریشه آنها را خواهد زد و مسلمانان بحرین از شر آنها نجات خواهند یافت

هم اکنون در کشورهای مختلف جهان گروه هایی از مسلمانان شیعه وجود دارند و روابط خوبی با سایر فرق اسلامی دارند، هر چند دشمنان اسلام همیشه سعی داشته و دارند که میان مسلمانان شیعه و غیر آنها بذر عداوت و دشمنی و سوءظن و بدبینی بپاشند و آتش نزاع و اختلاف و جنگ را در میان آنها روشن کنند و هر دو گروه را تضعیف نمایند. لیکن اگر پیروان تمام مذاهب اسلامی، بیدار و هوشیار باشند، می توانند این توطئه خطرناک را از بین ببرند.

گفتنی است مذهب شیعی منحصر به «امامیه اثنی عشریه» نیست و شعب و فرق نیز دارد. ولی بی شک معروفترین و مشهورترین آنها شیعیان دوازده امامی هستند که قسمت مهمی از مسلمانان را در سراسر جهان تشکیل می دهند. در بعضی از کشورها مانند ایران و عراق و بحرین اکثریت قاطع دارند، و در بعضی دیگر گروه عظیمی را تشکیل می دهد مانند غالب کشورهای اسلامی.

لیکن اوضاع کنونی دنیا و ممالک اسلامی به ویژه بر علیه شیعیان دنیا بسیار آشفته خطرناک است مخصوصاً شیعیان بحرین و حتی شیعیان عربستان که از طرف حکومت هایشان شدیداً تحت فشار هستند .لذا باید دانست شیعیان دنیا الان از مظلوم‌ترین جمعیت‌ها محسوب می‌شوند، گروهی در بحرین، گروهی در قطیف تحت فشار سخت‌ترین ابزار ظالمان قرار دارند .

متأسفانه تحولات بحرین فاجعه عجیبی است، و حوادث بسیار دردناکی در بحرین علیه شیعیان مظلوم بحرین در جریان است . حتی از سوی رژیم آل خلیفه برای برهم زدن ترکیب جمعیتی کشور بحرین، تلاش‌های بسیاری صورت گرفت تا افرادی را از کشورهای مختلف بیاورند و ترکیب جمعیتی بحرین را بهم بزنند و شیعه را در اقلیت قرار دهند، اما نتوانستند.

گفتنی است مردم بحرین چند سال پیش قیام مسالمت آمیز خود را آغاز کردند که تا به حال بیش از صدها شهید داده‌اند و هزاران نفر اعم از علما، شخصیت‌ها، جوانان، زنان و مردان زندانی شده و گرفتار چنگال آل خلیفه هستند.

گلوله؛ پاسخ رژیم دیکتاتوری آل خلیفه به مطالبات به حق شیعیان بحرین

اما به راستی مگر بحرینی ها چه می خواهند؛ آنها به دنبال دستیابی به حقوق مشروع و قانونی خود هستند به نحوی که حتی در پی هتک حرمت به بیت رهبر شیعیان بحرین ، وقتی مردم دعوت به تظاهرات کرده بودند به این نکته تصریح شده بود که تظاهرات باید مسالمت آمیز باشد. لذا چرا به حقوق اکثریتی که از طریق مسالمت آمیز به دنبال حقوق و خواسته‌های خود هستند توجه نمی‌شود؛ به راستی چرا حاکمان ظالم و حلقه به گوش بیگانگان در آنجا حمام خون به‌راه انداخته‌اند و شیعیان را که هیچ گناهی جز درخواست احقاق حقوق از دست رفته خود ندارند، به وحشیانه‌ترین وضعی به خاک و خون می‌کشند؟.

شیعیانی از بحرین به عنوان شاهدان عینی تحولات بحرین اخباری را برای ما نقل کردند که نشان از عمق فاجعه ای دارد که توسط آل سعود و آل خلیفه رخ می دهد.

تأسف آور است که خانواده های بحرینی که شهید دادند هیچ امنیتی ندارند، مساجد و حسینیه ها را تخریب می کنند و از آن جمله مسجد تاریخی امیرالمومنین علیه السلام است؛ جوانان را از کار بیکار می کنند و مجروحان بدون مداوا در خانه های خود زجر می کشند؛ چرا که اگر به بیمارستان بروند، دستگیر خواهند شد؛ علما و افراد تاثیرگذار بر مردم بحرین در زندانند، مردم بحرین وضعیت غذایی خوبی ندارند و همه چیز از انتقام جویی شدید آل سعود و آل خلیفه نسبت به مسلمانان بحرین و به ویژه شیعیان آن کشور حکایت دارد.

موج جدید سرکوب انقلابیون و علمای بحرین

لازم به ذکر است ماموران حکومت بحرین برای این که علما را بترسانند و رهبری آنها را نسبت به مردم قطع کنند فشارها را تشدید کرده اند به و به منزل رهبر معنوی انقلاب بحرین تعرض کردند؛ لیکن باید به سردمداران رژیم خلیفه گفت؛ نگاه کنید و ببینید اکثر مردم شما چه می‌خواهند؛ آیا فکر می‌کنید حمله به بیت عالم بزرگ و خوشنامی همچون آیت الله شیخ عیسی قاسم مشکل شما را حل می‌کند؟ بی شک این تعرض نیز اثر بسیار نامطلوبی در تمام جهان تشیع و مسلمانان معتدل گذاشته است.

هم چنین بنا بر نامه هایی که از بحرین به دست ما رسیده است متوجه شدیم که عده ای از علمای بحرین را دستگیر کرده اند.. خبرحمله به بیت علمای بحرین بازداشت و دستگیری انقلابیون و شماری از علمای بحرین از سوی نیروهای امنیتی موجب نهایت تأسف گردید. از این رو لازم است هر چه زودتر انقلابیون و علمای انقلابی به ویژه جناب آقای شیخ علی سلمان دبیرکل جمعیت الوفاق آزاد شود و حقوق مردم بحرین طبق موازین عادلانه به آنها داده شود.

سلب تابعت؛ عملی شیطانی

رژیم جنابتکار بحرین دست به کارهای خطرناک عجیبی زده‌است ، از جمله پس از تخریب ده‌ها مسجد و حسینیه و زندانی کردن گروه زیادی از بزرگان و افراد عادی شیعه و ممنوع کردن نماز جماعت و تضییقات سوء دیگر، اقدام به سلب تابعیت عالم بزرگ بحرین شیخ عیسی قاسم کرده، کاری که ممکن است حکام بحرین را به نقطه پایان حکومتشان برساند .

بی شک سلب تابعیت یک عمل غیر انسانی و شیطانی است کسی که خودش و اجدادش در کشوری زیسته‌اند در آن کشور حق دارند و این حق را هیچ کس نمی‌تواند از آنها بگیرد.

پیمان دفاعی! رژیم آل خلیفه و عربستان برای قتل عام مردم بحرین عجیب است کشوری به ظاهر اسلامی برای قتل عام مردم یک کشور دیگر نیرو می فرستد. لیکن همه می دانند اعتراض بحرینی ها سالم و مسالمت آمیز است و آنها مسلح نیستند، آیا این مساله وحشتناک نیست؟.

عربستان و امارات خیال نکنند که لشگر کشی به بحرین برایشان ارزان تمام می شود؛ بلکه باید هزینه های بسیاری بدهند زیرا خودشان آسیب پذیرترین کشورها هستند.

یک ضرب المثلی است که می گوید کسی که خانه اش شیشه ای است سنگ به خانه دیگران نمی زند،حال باید بدانید مردم منطقه رفتار شما را تحمل نخواهند کرد. این مساله برای شما گران تمام خواهد شد خودتان را از این مهلکه کنار بکشید.

جالب است وقتی به بحرینی ها و عربستانی ها می گویند که چرا این کار را کرده اید آنها می گویند که ما با هم پیمان دفاعی داریم، آیا معنای پیمان دفاعی این است که ملت خود را قتل عام کنید؟؛ مایهٔ حیرت است که قتل عام کردن ملتی که خواسته مشروع دارند تحت پیمان دفاعی قرار می گیرد و نیروهای خارجی برای سرکوب مردم وارد می شوند آیا حتی یک کودک چنین منطقی را می پذیرد؟.

از پادشاه بحرین عجیب تر حکام سعودی هستند که می گویند چرا در سوریه دموکراسی نیست؛ حکامی که حکومت شان بویی از دموکراسی نبرده است و حکومت و کشورشان را به صورت قبیله ای اداره می کنند، مدعی ایجاد دموکراسی در سوریه شده اند.

کشتار شیعیان بحرین در سایهٔ سیاست های دوگانه غرب در قبال حقوق بشر

کشتار بی رحمانه مردم بحرین در سایهٔ سکوت و سیاست یک بام و دو هوای غرب در دفاع از دموکراسی و حقوق بشر تأسف آور است.

نکتهٔ قابل تأمل این است که دولت های ظالم منطقه نیز به صورت تمام قد از دولت بحرین حمایت می کنند و جالب آن است که مجامع بین المللی و جهانی نیز سکوت کرده اند! .

به راستی چرا سازمان های بین المللی و مدعیان حقوق بشر در قبال اقدامات آل خلیفه در هتک حرمت به بیت رهبر شیعیان بحرین سکوت کرده و خفقان گرفته اند. سازمان ملل خواب است یا بیدار؟ این همه آزار و اذیت و فشار علیه شیعیان را نمی بینند؟ یا چون به نفعشان است سکوت کرده اند؟ .

البته این چند دولت که نام خود را جامعه جهانی گذاشته اند، چند دولت جانی هستند که به دروغ این لقب را به خود داده اند؛ چرا که زمانی که در ایران کوچک ترین مشکلی پیش بیاید، صدایشان بسیار بلند و واکنش های شدیدی نشان می دهند، اما در حال حاضر نسبت به ظلمی که بر مردم مظلوم بحرین می شود، سکوت کرده اند؛ گویی که مرده اند! .

هم چنین سیاست دوگانه استکبار جهانی و مدعیان حقوق بشر در دفاع از آزادی و حقوق بشر از آنجا شرم آور است که آل خلیفه به عنوان اقلیت بر اکثریت مردم بحرین زورگویی می‌کند حال آنکه همین مدعیان حقوق بشر به سوریه تروریست می فرستند تا تخریب و کشتار کرده و حکومت را ساقط کنند.

بنابراین از جوامع بین‌المللی می‌خواهیم که در برابر این جنایات هولناک سکوت نکنند و اجازه ندهند حاکمان خودکامه بحرین دست به هر جنایتی بزنند.

انقلاب بحرین؛ پارادوکس غرب درمقولهٔ دموکراسی

واقعا در دنیای عجیبی زندگی می کنیم؛ در دو نقطه دنیا نزدیک به هم دو کار متضاد می شود و مدعیان دموکراسی و حقوق بشر از آن دفاع می کنند، در بحرین قیام مردم برای احقاق حقوق

مسلم‌شان است و این که شیعه و سنی در کنار هم زندگی کنند، اما از آن سوی مرزها تصمیم گرفته می شود و از کشورهای دست نشانده استکبار نیرو فرستاده می شود تا مردم بحرین را سرکوب کنند.

از سوی دیگر در سوریه مردمی هستند که در کشور خود زندگی کرده و بر ضد حکومت حرکتی نداشتند لیکن در این کشور نیز از بیرون نیرو می‌فرستند تا قیام قلابی و دروغین درست کنند و جالب است که همین‌ها قیام حقیقی بحرین را سرکوب می‌کنند و دم از دموکراسی و حقوق بشر هم می‌زنند.

غرب در هر دو کشور از دموکراسی دم می‌زند، این چه نوع دموکراسی است که هر زمان به هر شکلی که مایل باشند آن را تغییر می‌دهند؟ در بحرین اقلیت خودکامه آل خلیفه را بر مردم مسلط کرده و در سوریه به وسیله عده‌ای تروریست به دنبال تخریب و ساقط کردن حکومت هستند.

حال باید این پرسش را مطرح کرد که آیا این بود شعارهای شما در دفاع از حقوق بشر و دموکراسی؟ بعد از این آیا کسی سخنان شما را باور می کند، مقصود از حقوق بشر که مد نظر شما است این است که منافع تان حفظ شود. شما سالیان دراز برای دموکراسی یقه چاک می کردید، دنیا را از این شعارها پر کردید و مخالفان را کوبیدید حال که مردم در این منطقه بر ضد دیکتاتورها قیام کرده اند ۱۸۰ درجه راه خود را عوض کرده و به حامی دیکتاتوری بدل شده اید و باید بدانید نمره شما در دموکراسی صفر و زیر صفر است.

نباید فراموش نمود وقتی غربی‌ها طالب واقعیت و حقیقت نباشند سرنوشت همین است و به همین دلیل ما به شعارهایی که در دنیای امروز داده می‌شود کاملا بدبین هستیم؛ شعار دموکراسی، حقوق بشر و آزادی ابزاری برای به دست آوردن منافع خاص گروهی ظالم و ستمگر در دنیای امروز است.

سخن آخر

در خاتمه باید گفت قیام مردم بحرین منحصر به شیعیان نیست، چراکه همه مردم بحرین قیام کرده اند و حتی علمای اهل سنت در این کشور هم برای این قیام مردمی بیانیه داده اند، ولی حکام بحرین که از عقل و درایت کافی برخوردار نیستند خود را در گردآب خطرناکی افکنده‌اند که روز به روز بر گرفتاری آنها افزوده می‌شود، حکام بحرین با کمک عربستان سعودی که به سبب ناکامی‌هایش در سوریه و عراق و یمن به صورت کشتی شکسته‌ای درآمده که در حال غرق شدن است.

لذا باید هشدار داد حاکمان بحرین نباید دست به اقدامی بزنند که اوضاع آنجا را روز به روز پیچیده تر کند و مایه انزجار همه شیعیان جهان و آزادگان دنیا گردد. زیرا اگر بنا باشد سلب تابعیتی شود باید از آل خلیفه شود زیرا اجداد آنها از عربستان سعودی و نجد آمده، در حالی که حضرت آیت الله شیخ عیسی قاسم خود و اجدادش همه بحرینی هستند. آنها باید درک کرده باشند که مراجع شیعه هرگز این‌گونه کارها را تحمل نخواهند کرد.

حاکمان جنایتکار بحرین بدانند اگر بخواهد این روش را ادامه دهد روز به روز خود را منفورتر می‌کند؛ آنها اگر می‌خواهند در بین مردم خود زندگی کنند باید خواسته های آنها را بپذیرند ما به شدت این رفتار خصمانه را محکوم می‌کنیم و یقین داریم سرانجام گروهی که این روش را در مقابل خواسته‌های به حق مردم بحرین در پیش گرفته‌اند شکست خواهد بود.

هم چنین رژیم جنایتکار آل خلیفه بداند این شیعیان مظلوم تنها نیستند. حکومت بحرین بداند با اینگونه جنایت ها دشمنی همه مسلمانان جهان و به ویژه شیعیان را برای خود می خرند . لذا اگر از جنایت‌های خود دست برندارند، بزودی ثمره تلخ و شوم آن را خواهند دید. بلکه این‌گونه کارها سرانجام ریشه آنها را خواهد زد و مسلمانان بحرین از شر آنها نجات خواهند یافت.

امید است مردم بحرین در سایه لطف پروردگار بتوانند حقوق حقه خود را بگیرند و با ادامه مقاومتی ارزنده‌ای که داشته‌اند به اهداف مشروع خود نائل شوند؛ ودر سایه بیداری ملت های منطقه، شر اشرار به خودشان برگردد و دستشان از منطقه کوتاه و قطع شود.

اینجانب لازم می‌دانم از مردم در خواست نمایم در این ماه مبارک برای بهبود این وضعیت دعا کنند. هم چنین شایسته است شهادت جوانان بحرینی را به همه علمای محترم و مبارز آن سامان و تمام اهالی محترم بحرین تبریک و تسلیت عرض کنم و امیدوارم در پرتو خون این شهیدان عالیقدر خداوند از دشمنانشان انتقام گیرد. «إنّ ربّک لبالمرصاد».

ریشه ها و پیام های راهپیمایی روز جهانی قدس از منظر معظم له

اگر همه مسلمین دنیا با هم متحد شوند پیروزی بر اسرائیل و دشمنان اسلام حاصل می شود، لذا آنچه قلب علی علیه السلام را آتش می زند، این است که بیگانگان به واعتصموا ، بیشتر عمل می کنند. به راستی اگر یک میلیارد و پانصد میلیون مسلمان جهان با هم متحد بودند، آیا اسراییل جرأت می کرد که شب و روز از فلسطینیان قربانی بگیرد و خانه ها، مساجد و مدارس آنها را ویران کند؟

در عصر و زمانه ای به سر می بریم که حملات وحشیانه و بی سابقهٔ اسرائیل به فلسطینیان به یک فاجعه عظیم برای جهان اسلام مبدل شده است . با این حال ، نه دولت های اسلامی و نه ملت های مسلمان و نه علمای بزرگ اسلام واکنش مناسبی در قبال آن نشان نداده اند و این امر، سبب جرئت و جسارت رژیم غاصب و نامشروع اسرائیل شده است.

اکنون رژیم اشغالگر قدس ، در فلسطین اشغالی هر روز جنایت تازه ای می آفرینند، جنایاتی که قلم از بیان آن شرم می کند، و گاه انسان طاقت دیدن و شنیدن آن را ندارد!، لیکن نامگذاری روز قدس از سوی امام راحل از جمله ابتکارات مهم و سرنوشت ساز در تاریخ اسلام است، قبل از تحقق این مهم، ابتکار عمل در مساله فلسطین اشغالی، دست جریانات متعلق به گرایش های مارکسیستی بود، که هیچ گونه قدرت نفوذی نداشت، لیکن بعد از ورود انقلابی امام در این مقوله، مسأله فلسطین بیش از پیش رنگ اسلامی به خود گرفت، سرنوشت تغییر کرد و اسرائیل در موضع ضعف و فلسطینیان در موضع قوت و قدرت قرار گرفتند که در نهایت این تحول، زمینه ساز پیروزی های غرور انگیز حزب الله لبنان و جنبش جهاد اسلامی فلسطین حماس در شکست های پی در پی رژیم صهیونیستی گردید.

لذا راهپیمایی روز جهانی قدس، ابتکار امام راحل رحمت الله علیه است که روزی سرنوشت ساز را برای جهان اسلام رقم خواهد زد. از این رو همه مسلمانان بدون استثناء باید در این روز شرکت کنند و فریاد خود را در مقابل جهانخواران بلند کنند تا شاهد نتایج بزرگی در جهان اسلام باشیم.

انقلاب اسلامی ایران پرچمدار حمایت از مردم فلسطین

بی شک پس از پیروزی انقلاب اسلامی و شکست مفتضحانه رژیم پلید اسراییل در جنگ ۳۳ روزه لبنان، همه دنیا فهمیدند که تنها حامی مردم مظلوم فلسطین در عمل که از هیچ گونه کمکی مضایقه ندارد ایران است در حالی که سران مرتجع عرب فقط حرف زده‌اند و مقاومت غزه با صراحت اعتراف کرد تمام کمک را ایران به آن ها در این نبرد نابرابر کرده است و به این ترتیب اتحادیه عرب و گروه های وابسته که با پول‌های سعودی و قطر تغذیه می‌شدند، کاملاً رسوا شدند و به این ترتیب نظام جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان تنها یار وفادار مسلمانان مظلوم شناخته شد که این افتخار بزرگی است برای ما.

بنابراین اگر ملت سرافراز ایران شعار حمایت از ملل مظلوم فلسطین،عراق،سوریه... و دیگر ملت های مورد ظلم و ستم ستمگران را سر می‌دهد جای تعجب نیست، چرا که به مضمون آموزه های قرآنی عمل می کند و باید به ندای هر مظلومی در هر کجای جهان از آمریکا گرفته تا آفریقا و از اروپا گرفته تا آسیا و استرالیا لبیک گفت، و در حد وسع و امکانات به یاری آنها شتافت، و آنان را از چنگال ستمگران و استثمارگران نجات داد، تا جرأت تکرار ظلم را نداشته باشند. تعجب از بعضی دولت های اسلامی است که نه تنها از مسلمانان تحت ظلم و ستم فلسطین حمایت نمی کنند، و آنها را از چنگال صهیونیسم اشغالگر ظالم نجات نمی دهند، بلکه با دشمنان آنها رابطه برقرار کرده، و مبادله سفیر نموده، و برای برچیدن حکومت مردمی مردم مظلوم فلسطین دست در دست یهودیان ظالم می گذارند.

لذا مسلمانان باید به کمک مردم مظلوم فلسطین بشتابند و فریب قطعنامه های بی تأثیر سازمان ملل را در این زمینه نخورند، زیرا رژیم جنایتکار اسراییل فرزندان فلسطینی ها را می کشند، زنانشان را اسیر می کنند، ظلم از این بالاتر هم می شود، بلکه جلوگیری از منکرات و یا کم کردن آن، از واجبات است.

باید دانست آمریکا و رژیم غاصب اسرائیل از رویارویی نظامی با جمهوری اسلامی ایران ناتوان هستند زیرا آنها اگر حماقت کنند جوانان، سربازان کفن پوش و رزمندگانی که هشت سال در دفاع مقدس حماسه آفریدند جلوی آنها می ایستند و پاسخ محکمی به آنها می دهند .لذا اسرائیل بداند ملت فلسطین تنها نیست، ملت فلسطین پشتیبانی عظیمی همچون ملت ایران دارد.

اتحاد امت اسلامی؛ مهمترین پیام راهبردی راهپیمایی روز جهانی قدس

ما در زمانی زندگی می کنیم که بیش از هر زمان دیگر نیاز به وحدت و آرامش داریم، زیرا اسرائیل پیوسته مسلمانان فلسطین را به خاک و خون می کشد و با کمک امریکا، برای نابودی حزب‌الله در لبنان نقشه طرح می کند. حال آنکه دشمنان با اسلام مشکل داشته و به همین دلیل شیعه و سنی برای آنها تفاوتی ندارد و به هیچ یک از آنان رحم نمی کنند.

از سوی دیگر باید تأکید نمود مسلمانان سراسر جهان بسان پیکر یک انسانند، اگر مسلمانی در گوشه ای از دنیا ناراحت و بیمار گردد و مشکلی برایش ایجاد شود دیگر مسلمانان باید از آن متأثر شده، در حل آن بکوشند. اگر جنگ در عراق ،سوریه، فلسطین و لبنان...آسایش و آرامش را از ساکنان آن گرفته،مسلمانان باید در مقابل تمام این حوادث عکس العمل نشان داده، و در حد وسع و امکاناتشان به یاری آنها بشتابند.

زیرا اسلام عزیز به ما آموخته که مسلمانان با هم برادر باشند و با اخوت رفتار کنند؛ اما متأسفانه هم اینک کشورهای اسلامی به اختلافات بی فایده دامن زده اند و دشمنان نیز از این فرصت بهره می گیرند.

در صورتی که اگر همه مسلمین دنیا با هم متحد شوند پیروزی بر اسرائیل و دشمنان اسلام حاصل می شود، لذا آنچه قلب علی علیه السلام را آتش می زند، این است که بیگانگان به «واعتصمو» ، بیشتر عمل می کنند. به راستی اگر یک میلیارد و پانصد میلیون مسلمان جهان با هم متحد بودند، آیا اسراییل جرأت می کرد که شب و روز از فلسطینیان قربانی بگیرد و خانه ها، مساجد و مدارس آنها را ویران کند؟.

لذا حضور پرشور مردم در راهپیمایی روز جهانی قدس واقعاً پشت دشمن را می لرزاند و نشانهٔ اتحاد مردم است. از این رو می توان دریافت مردم با وجود اختلاف سلیقه ای که دارند در مسائل اصلی با هم متحد هستند و با حضور خود در راهپیمایی آخرین جمعه ماه مبارک رمضان، روز قدس را گرامی خواهند داشت.

روز قدس ؛ اعلام انزجار امت اسلامی ازحقوق بشر آمریکایی

شکی نیست یکی از دروغ های بزرگ جهان، مساله حقوق بشر است زیرا حقوق بشر ابزار دست جنایتکاران شده است .

به عنوان نمونه سکوت محافل ومجامع مدعی حقوق بشر غرب نسبت به جنایات اسرا ئیل در فلسطین به ویژه غزه، بار دیگر ماهیت آنها را آشکار کرد و نشان داد که ماهیت آنان فریب کارانه است.

جوامع غربی به ویژه آمریکا، طی قرن اخیر همواره ادعای دفاع از حقوق بشر را سر داده اند، اما جنایات ۶۰ ساله صهیونیست ها را نادیده گرفته اند. به همین دلیل، از مسلمانان می خواهم فریب ادعاهای پوچ غربی ها، به ویژه آمریکا را در خصوص دفاع از حقوق بشر نخورند.

بایدبه روح بلند حضرت امام رحمت الله علیه درود و سلام فرستاد که با ذکاوت، تیزهوشی و آینده نگری ماهیت پلید آمریکا را بر ملا ساخت ، زیرا سال های مدیدی بود مردم ایران شعار مرگ بر آمریکا را سرمی دادند و عده ای از گوشه و کنار دنیا می گفتند: مردم ایران ماجراجو هستند، حال بعد از سی و چند سال همه شعار مرگ بر آمریکا سرمی دهند.

بدیهی است اگر آمریکایی ها و اروپایی ها هرچه برای خود می خواهند برای دیگران هم بخواهند مشکلات جهان حل می شود. لیکن با وجود این که سازمان ملل و مقامات بین المللی به جنایات اسراییل در غزه اذعان کردند و حتی سازمان ملل با اکثریت آرا این جنایات را تصدیق کرد؛ اما هیچ کاری به آن ندارند و در رسانه ها به آن نمی پردازند.

از سوی دیگر رژیم صهیونیستی که هرگز میثاق بین المللی را نپذیرفته است، اما هم اینک نهادها و مجامع بین المللی به راحتی از کنار جنایات رژیم اشغالگر قدس می گذرند.

در حالی که اگر یک جاسوس اسرائیلی در نقطه ای از جهان به محاکمه کشیده شود فریاد حقوق بشر آنها گوش جهانیان را کر می کند، اما اگر هزاران نفر از مردم مظلوم و ستمدیده فلسطین با بدترین شیوه به قتل برسند، هیچ صدا و اعتراضی از مدعیان حقوق بشر بلند نخواهد شد.

حتی در مسألهٔ توقیف کشتی آزادی و کشته شدن عده زیادی از حامیان واقعی حقوق بشر توسط اسرائیلی ها باور نمی کردم که شورای امنیت و جمعیت حقوق بشر آنقدر جسور باشند که حتی از اسرائیل حمایت کنند، در حالی که جنایتی بالاتر از جنایت اسرائیلی ها نیست.

آمریکا نیز با حمایت بی‌قید و شرط خود از جنایات اسرائیل که برای مصرف داخلی کشورش به سبب سلطه صهیونیست‌ها بر آن صورت گرفت روزبه‌روز در صحنه جهان منفورتر می‌شود و این بهای سنگینی است که باید آمریکایی‌ها در برابر حمایت بی‌قید و شرط اسرائیل بپردازند.

لذا با صدای بلند باید گفت روی تان سیاه باد، ننگ بر شما که نام خود را حامیان حقوق بشر گذاشته اید، گروهی را تقویت و حمایت می کنید که جنایاتی را مرتکب می شوند که در تاریخ سابقه ندارد؛ شما در حالی اسم خود را حامیان حقوق بشر می نامید که اسلحه در اختیار گروه های تروریستی قرار می دهید.

حال با این تفاسیر ما باید مراقب باشیم و بدانیم که ادعاهای دروغین غربی ها و تکرار آن ها در سطح جهانی نشان از راست بودن آن نیست؛ زیرا می خواهند با تکرار دروغ سخنان خود را به کرسی بنشانند.

هم چنین در مسئله حقوق بشر نباید تنها جنبه دفاعی داشته باشیم، بلکه باید در مسئله حقوق بشر، از موضع قدرت و تهاجم با غرب برخورد کنیم.

بدین ترتیب باید گفت هیچ کشور اسلامی نباید با آمریکا و اسرائیل، که دامانشان به خون مسلمانان آلوده است، رابطه داشته باشند. مگر اسرائیل با کمک و پشتیبانی آمریکا مسلمانان فلسطین را از وطنشان آواره نکرده است؟ پس چگونه برخی از دولت های اسلامی دست دوستی به سوی این دولت غاصب دراز کرده اند؟!

روز جهانی قدس بستر ساز بیداری جهانی برای آزادی قدس شریف

در تبیین این مسأله باید گفت امروز ماهیت رژیم اسرائیل برای همه روشن شده است، اسرائیل رژیمی غاصب، زورگو و متجاوز و ابزاری برای منویات فاسده قدرت های زورگوی دنیا است.

اسرائیل و آمریکا اصرار دارند که جهانیان سرنوشت مردم مسلمان فلسطین را به فراموشی بسپارند و سرزمین فلسطین را ملک شخصی اسرائیل بدانند، لیکن با برپایی روز قدس در هر سال، نسل های جدید به غاصب بودن اسرائیل پی می برند.

بدین نحو که روز جهانی قدس و ابتکار بسیار مهم امام راحل درباره نامگذاری آخرین جمعه ماه مبارک رمضان به این نام، موجبات عدم فراموشی مسأله اسرائیل غاصب را فراهم کرده است.

اعلام انزجار و نفرت جهان اسلام علیه پادوهای امریکا در منطقه

امروزه در دنیای اسلام خیلی ها ادعای اسلام و مسلمانی می کنند اما متاسفانه عمل شان، ایمان آنان را تصدیق نمی کند

. کسانی هستند که خود را خادم الحرمین می دانند و می نامند، اما در عمل خادم اسرائیل و آمریکا هستند، اینها دست در دست اسرائیلی ها و آمریکایی ها گذاشته اند؛ در حالی که ما انتظار نداریم کسانی که این عنوان را دارند خادم اسرائیل و آمریکای جهانخوار باشند.

از اینها مشکل تر کار دولتمردان ترکیه است، دولتمردان این کشور ابتدا در باغ سبزی را نشان دادند و مردم خوشحال شدند و خیال کردند که در منطقه علاوه بر ایران یک کشور دیگری نیز پیدا شده است که در مقابل اسرائیل قد علم می کند و مردم مظلوم فلسطین را یاری می دهد، اما چیزی نگذشت که دیدیم دست در دست اسرائیل گذاشتند و ۱۸۰ درجه برگشتند و الان نیز مرتب اسلحه و مزدور می فرستند تا سوریه را متلاشی کنند.

در صورتی که دیگر همه حتی بچه ها و کودکان هم می دانند دعوای سوریه به خاطر خواست اسرائیل است، آنها می خواهند این کشور را متلاشی کنند تا اسرائیل بر منطقه مسلط شود. لیکن کشورهای کمک کننده به استکبار در مساله سوریه قبر خود را کنده اند.

برخی کشورهای عربی واسلامی در حالی که خواهران و برادران مسلمان آنها در بدترین شرایط در حال دست وپنجه نرم کردن با مرگ تدریجی هستند، در یک اقدام سازشکارانه، با سران جنایتکار رژیم صیونیستی نشست برگزار می کنند. اکنون یک و نیم میلیون آواره فلسطینی در غزه، در بدترین شرایط محاصره شده اند، اما نه از سران عرب و نه از غرب صدایی شنیده نمی شود و این تأسف بار است..

شرم آور است که بعضی از کشورهای اسلامی، سخت به سفیران رژیم صهیونیستی جنایتکار چسبیده اند ! خادمان حرمین شریفین تبدیل به نوکران اسرائیل و آمریکا شده اند و دست ترکیه در دست اسرائیل است.

لیکن بدانند خروش ملت های مسلمان در روز قدس، مانع رسیدن این دولت های سازشکار به اهدافشان می شود.

راهپیمایی روز جهانی قدس؛ مولفهٔ شرعی و عبادی

امروزه مساله قدس و حمایت از آنها وجوب شرعی پیدا کرده ما هم خودمان در این راهپیمایی شرکت و هم مردم را به حضور دعوت می کنیم، زیرا حضور در این راهپمایی موجب تقرب به خدا در ماه مبارک رمضان است.

شرکت در راهپیمایی روز قدس مصداق امر به معروف و نهی از منکر است و همه کسانی که توان دارند باید در آن شرکت کنند چه منکری بالاتر از این که عده ای غاصب آمده اند صاحبان اصلی را از منطقه خود آواره کرده و بیگانگان را در آن جای داده اند.

حضور گسترده و باشکوه مردم در راهپیمایی روز قدس نشان عزت و قدرت مسلمانان است، لذا مسلمانان با شرکت در راهپیمایی روز جهانی قدس به وظیفه شرعی و دینی خود عمل کنند. اگرچه حضور مردم روزه‌دار در این هوای گرم اجر مضاعفی برای آنها دارند. و با شرکت در راهپیمایی، با زبان روزه، عبادت انجام می دهند. امیدواریم این عمل ذخیره یوم المعاد همه شما عزیزان قرار گیرد.

آزادی فلسطین و رهایی مسجدالاقصی از بند رژیم جعلی اسراییل

روز قدس روزی است که مسلمانان گروه گروه به خیابان‌ها می‌آیند و ضمن اعلام وفاداری به قدس شریف به عنوان قبله نخست مسلمین از غاصبان این مکان مقدس و حامیان آن‌ها ابراز برائت و انزجار می‌کنند.

باید گفت رژیم صهیونیستی می خواهد با تخریب مسجد الاقصی که قبله اول مسلمانان است، آن را به عنوان معبد سلیمان قرار دهد. لذا مسلمانان با گرامیداشت روز قدس خود را آماده کنند و فریاد «مرگ بر اسرائیل» و «القدس لنا» سر دهند تا سرانجام سرزمین های غصب شده اسلامی و قبله اول مسلمانان را از چنگال اسرائیل نجات دهند.

زیرا وقتی فریاد روز قدس در جهان طنین انداز می شود نسل‌های امروز فراموش نمی کنند که کشور اسلامی فلسطین و قبله نخست مسلمانان از سوی رژیم صهیونیستی غصب شده و باید هرچه زودتر به پیکره اسلام باز گردانده شود.

نابودی رژیم صهیونیستی پیام کلیدی راهپیمایی روزجهانی قدس

گفتنی است ملت ها باید با شرکت در راهپیمایی روز قدس به نسل های جدید بیاموزند که اسرائیل غاصب است و کشور فلسطین به آغوش کشورهای اسلامی باز خواهد گشت.

به یقین جنایت رژیم صهیونیستی علیه مردم مظلوم فلسطین در تاریخ برای همیشه ثبت خواهد شد و مرگ این رژیم را قطعاً تسریع خواهد کرد.

بنابراین حضور گسترده اقشار مختلف مردم نیز در راهپیمایی روز جمعه در نابودی اسرائیل بسیار اهمیت دارد.

سخن آخر

در خاتمه باید گفت امروز دشمن در سرازیری سقوط قرار گرفته است، از این رو باید فشار را بیشتر کرد. چراکه حامیان غربی اسرائیل از جمله آمریکا، فرانسه و انگلستان گرفتار بحران اقتصادی و داخلی هستند و دیگر کمک های مالی بی دریغ چند میلیارد دلاری به این رژیم نمی شود.

از این رو همه مسلمانان بدون استثنا از هر مذهب و دینی می توانند در راهپیمایی روز قدس شرکت و فریاد خود را بر علیه جهانخواران بلند کنند. و از مواهب آن برخوردار شوند.

بی شک رژیم اسرائیل شرورترین و جنایت کارترین رژیم در تاریخ است. لیکن یقیناً خداوند انتقام این محاصره شدگان مظلوم و آن انسان های بشردوست را از این رژیم غاصب خواهد گرفت.(ان ربک لبالمرصاد)، و انشاءالله قدس و فلسطین به امت اسلامی بر می گردد.

سخنی درباره حجاب

حجت الاسلام و المسلمین ابوالقاسم علیان نژادی

انتشار فتوای حجاب دانشجویان مسلمان ترکیه به صورت محدود و از باب ضرورت، عکس العمل ها و واکنش های متفاوتی داشت. عده ای فراوانی که با اصول و قواعد استنباط و نحوه ی اجتهاد و به دست آوردن احکام و ضرورت ها و مشکلات چنان دانشجویانی آشنا بودند، به اشکال مختلف از آن استقبال و قدردانی کرده، و به نشر و انتقال آن پرداختند، که در همین جا از آنها تشکر می کنیم.

و عده ای ناراحت از مواضع شفاف و روشنگرانه مرجع بیدار و زمان شناس حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی (مدظله العالی) در حوزه های اعتقادی و مذهبی و کلامی و فقهی و سیاسی، فرصت را غنیمت شمرده در پوشش دفاع از حجاب به عقده گشایی پرداخته و همچون موارد گذشته به زعم خود در صدد انتقام برآمدند. جریان های انحرافی، حسودان و تنگ نظران و مانند آنها به گمان خود خواستند از فرصت استفاده کنند و همچنین کسانی که ناآگاه به مسائل بودند، از جمله کسانی بودند که نادانسته آتش بیار این معرکه شدند. در اینجا دو نکته را به آنها یادآور می شویم:

نخست این که شایعات و دروغها و تهمتها و تبلیغات منفی در گذشته نیز بوده و نه تنها اثری در کاهش محبوبیت و نفوذ این مرد خدا نداشته که بر عزت و عظمت معظم له افزوده است؛ چرا که عزت و ذلت به دست خداست (تُعِزُّ مَنْ تَشاءُ وَ تُذِلُّ مَنْ تَشاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلى كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ. سوره مبارکه آل عمران، آیه ۲۶) وخداوند وعده داده کسی که در راهش قدم بردارد عزیز و سربلند کند و وعده خداوند تخلف ناپذیر است.

و دیگر این که نگاهی به سرگذشت عده ای که مسیر کنونی شما را رفته اند و اکنون به انگلستان و آمریکا و سعودی پناه برده اند و با ذلت زندگی می گذرانند بیندازید و از آنها عبرت بگیرید (فاعتبروا یا اولی الابصار).

و گروه سوم کسانی هستند که این فتوا به صورت کامل به آنها نرسیده و هیاهوی تبلیغاتی گروه دوم و دروغها و تحریف ها و تهمت های آنها، اسباب نگرانیشان شده، که به آنها عرض می کنیم: «فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذهَبُ جُفاءً وَأَمّا ما يَنفَعُ النّاسَ فَيَمكُثُ فِي الأَرضِ كَذلِكَ يَضرِبُ اللَّهُ الأَمثالَ» (سوره مبارکه الرعد آیه ۱۷).

و به منظور رفع نگرانی این عزیزان هشت پرسش و شبهه ای که پیرامون این فتوا مطرح شده، یا ممکن است مطرح شود را به همراه پاسخ آنها عرض می کنیم:

سوال اول: آیا صدور این فتوا در آستانه ی هفته ی حجاب و عفاف کار صحیحی بود؟ بهتر نبود در وقت مناسب دیگری صورت می گرفت؟

جواب: فتوای مذکور مربوط به امروز و دیروز نیست، بلکه بیش از پانزده سال قبل منتشر شده و در کتاب احکام بانوان معظم له (سوال ۶۸۰) که چاپ اول آن مربوط به سال ۱۳۸۰ ه. ش. می باشد آمده است و عده ای که اهداف خاصی را دنبال می کنند در این زمان آن را در شبکه های اجتماعی منتشر کرده اند. از این نکته نیز نباید غافل شد که معظم له بیش از دیگران در آثار مکتوب و فتاوا و سخنرانی های خویش به حجاب و عفاف پرداخته و بارها در مورد پدیده شوم بدحجابی شدیدا انتقاد کرده و می کنند. نمونه آن بیانات ایشان در شب جمعه (۱۳۹۵/۴/۲۴) درحرم حضرت ثامن الحجج (علیه السلام) در آن جمعیت باشکوه بود.

سوال دوم: در صورتی که تحصیل علم در ایران، یا کشورهای دیگر که شرط کشف حجاب ندارند ممکن باشد، باز هم مجازند در همان جا و به آن صورت به تحصیل ادامه دهند؟

جواب: بدون شک در این صورت جایز نیست، چون ضرورتی وجود ندارد. حتی اگر در دانشگاه یا شهر دیگر آن کشور ادامه تحصیل بدون این شرط ممکن باشد، باید برای تحصیل به آنجا بروند تا بتوانند حجاب خویش را حفظ کنند.

سوال سوم: در صورتی که آن تخصص عمومی باشد و بانوان به طور خاص به آن نیاز نداشته باشند و با تحصیل آقایان رفع نیاز شود، آیا باز هم خانم ها مجازند برای تحصیل آن علم، حجاب را بردارند؟

جواب: تنها در صورتی جایز است که برای آنها واجب عینی باشد؛ در غیر این صورت جایز نیست.

سوال چهارم: اگر با کلاه گیس و مانند آن حجاب برای آنها ممکن باشد، این کار لازم است؟

جواب: آری از نظر معظم له لازم است.

سوال پنجم: اگر علمی که قصد تحصیل آن را دارند ضروری نباشد، مثل رشته ی هنر، تاریخ، ورزش و مانند آن، باز هم همین حکم جاری است؟

جواب: حکم مذکور در این صورت جریان ندارد، زیرا ضرورتی وجود ندارد.

سوال ششم: با توجّه به این که حجاب از ضروریّات اسلام است امکان دارد در مواردی نقض شود؟

جواب: قاعده ی اضطرار، که در قرآن مجید و روایات اسلامی آمده و مورد اجماع و اتفاق همه فقهای اسلام بلکه تمام عقلای عالم است، عمومیت دارد و لذا زنان در صورتی که دسترسی به طبیب همجنس نداشته باشند می توانند به طبیب مرد مراجعه کنند و حتی در صورت ضرورت برای زایمان، طبیب غیرهمجنس می تواند به آنها کمک کند.

سوال هفتم: هر چند قاعده اضطرار را قبول داریم، اما آیا این قاعده اختصاص به حفظ جان و خطر مرگ ندارد؟

جواب: قاعده مذکور اختصاص به حفظ جان ندارد و لذا همه فقها گفته اند که اگر حفظ عضوی مانند چشم و گوش متوقف بر مراجعه به طبیب مرد باشد در این صورت نیز از باب ضرورت جایز است. همچنین اگر درمان بیماری مهمّی متوقف بر این کار باشد، هرچند سبب مرگ نشود.

سوال هشتم: از نظر اسلام هدف وسیله را توجیه نمی کند و نباید برای رسیدن به هدف مقدسی از ابزار نامقدس کمک گرفت. آیا کشف حجاب برای تحصیل علم، مصداق این مسأله نیست؟

جواب: این حکم همانگونه که گذشت مصداق قاعده اضطرار و ضرورت است، نه آنچه که فرمودید. و گرنه اکل میته (خوردن گوشت غیرذبح شرعی) برای کسی که مجبور بر آن می شود باید طبق آنچه که شما گفتید ممنوع باشد در حالی که قرآن مجید صریحا آن را تجویز کرده است.

نکته مهم: خوب است این افراد به این سوال مهم پاسخ دهند که آیا برای کشوری که این محدودیت ها برای زنان مسلمان وجود دارد طبیب زن لازم است یا نه؟ همچنین دبیر برای مدارس دخترانه و استاد دانشگاه برای دانشگاه های تک جنسیتی و پلیس زن و بازرس زن؟

اگر بگویند همه این کارها را به مردان بسپارند هیچ دینداری آن را قبول نمی کند و اگر بگویند وجودشان لازم است بگویند آنها کجا باید تحصیل کنند؟

جواب مثل آفتاب روشن است.

والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته